

هو الرفيح

---



گزارش پیش

---

بررسی کارکرد نهادهای فرهنگی  
برخوردار از بودجه فرهنگی  
با تأکید بر نهادهای فرادولتی

---

خسرو طالب زاده



پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات  
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

ناشر: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

عنوان: بررسی کارکرد نهادهای فرهنگی برخوردار از بودجه فرهنگی با تأکید بر نهادهای فرادولتی

نویسنده: خسرو طالبزاده

ویراستار: مهناز احدی

صفحه‌آرایی: حسین آذری

نوبت چاپ: دوم - تابستان ۱۳۹۹

شمارگان: برای مخاطبان خاص

همه حقوق این اثر برای پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات محفوظ است.  
در صورت تخلف، پیگرد قانونی دارد.

نشانی: تهران، پایین‌تر از میدان ولی عصر (عج)، خیابان دمشق، شماره ۹، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات  
صندوق پستی: ۶۲۷۴ - ۱۴۱۵۵. تلفن: ۸۸۹۰۲۲۱۳. دورنگار: ۸۸۸۹۳۰۷۶. Email: nashr@ricac.ac.ir

## فهرست مطالب

---

مقدمه..... ۱

### تعریف و طبقه‌بندی نهادهای فرهنگی

- ۴..... طبقه‌بندی نهادهای فرهنگی در ایران
- ۸..... مسئله اساسی نهادهای فرهنگی در ایران
- ۱۱..... سطوح مسائل نهادهای فرهنگی در ایران
- ۲۲..... توصیف وضع موجود
- ۳۰..... تحلیل وضعیت بودجه فرهنگی
- ۳۴..... بررسی‌های موردی وضع موجود نهادهای فرهنگی

### آسیب‌شناسی کارکرد نهادهای فرهنگی

- ۴۲..... آسیب‌شناسی در سطح نهاد
- ۴۵..... آسیب‌شناسی فرابخشی نهادهای فرهنگی
- ۵۰..... آسیب‌شناسی محیط ملی فرهنگ
- ۵۱..... آسیب‌شناسی محیط جهانی فرهنگ
- ۵۲..... پیشنهادهایی معطوف به برنامه هفتم توسعه
- ۵۳..... پیشنهادهایی برای برنامه هفتم توسعه
- ۵۳..... اولویت‌گذاری پیشنهادها براساس ترجیح‌های عملی
- ۵۵..... فهرست منابع



## مقدمه

ظهور پدیده فرهنگی انقلاب اسلامی، هم همسو با تحولات جهانی فرهنگ بوده و هم خود منشأ و غایتی فرهنگی داشته است. منبع انقلاب اسلامی، فراسوی احزاب و جریان‌های سیاسی بود؛ یعنی خلق سوژهٔ مکتبی و هویت دینی دغدغه و مسئله‌ای بود که همزاد با انقلاب اسلامی قدمت داشته است. انقلاب از کانون‌ها، مساجد و مراکز فرهنگی و دانشگاهی سرچشمه می‌گرفت و براساس هسته‌ها و نهادهای غیررسمی فرهنگی/دینی یا ایدئولوژیک پی‌ریزی شده بود.

پس از انقلاب اسلامی، کانون‌ها و نهادهای بی‌شمار غیررسمی و مردمی- فرهنگی به‌طور طبیعی به حیات فرهنگی و سیاسی خویش ادامه دادند و خود را در متن جمهوری اسلامی بازتعریف، یا به‌عبارتی، بازتولید کردند. نهادهای فرهنگی متنوع، هم معلول و واکنشی به ساختار بستهٔ سیاسی و فرهنگی حکومت گذشته و هم عامل و کنشگر در ساختار سیاسی و فرهنگی نظام نوین بودند. این فرایند به رشد فزایندهٔ نهادهای فرهنگی/دینی بیش از رشد نهادهای مدنی و سیاسی و حزبی منجر شد و تقویت مبانی و سرشت انقلاب اسلامی، مشوق رشد نهادهای فرهنگی/دینی بوده است؛ زیرا نهادهای فرهنگی ابزاری مؤثر در خلق معنی، هویت و منافع گروهی‌اند. اما تداوم حیات نهادهای فرهنگی/دینی،

چالشی را حداقل از منظر برخی نخبگان و بخشی از افکار عمومی پدید آورده و نسبت به کارآمدی آن در وضعیت فرهنگی کنونی ایران و جهان تردیدهایی ایجاد کرده است. از این منظر، میان علت موجد نهادهای فرهنگی/دینی با علت مبقیه آن گسستی رخ داده است. برخی اسناد بالادستی و مطالعات بسیاری نیز مؤید همین رویکرد انتقادی نسبت به وضعیت نهادهای فرهنگی/مذهبی است. بر این اساس، بازنگری و بازتعریف یا تجدید ساختاری نهادهای فرهنگی، امروزه به عنوان مسئله‌ای فرهنگی، جدی تلقی شده و هدف از این گزارش تحلیلی و تجویزی، بررسی ابعاد این «مسئله فرهنگی» است.



## تعریف و طبقه‌بندی نهادهای فرهنگی

نهاد یا سازمان فرهنگی مجموعه برنامه‌ها، سیاست‌ها و اقدامات گروهی افراد برای تحقق هدفی مشترک است (جعفری هفت‌خوانی، ۱۳۹۰)، اما تطبیق تعریف‌های علمی با نهادها و سازمان فرهنگی متعارف در ایران با مشکلاتی همراه است. سازمان فرهنگی، سازمانی است که وظایف اصلی خود را از میان فعالیت‌های فرهنگی انتخاب می‌کند. هنری مینتزبرگ (۱۹۹۹)، در یک دسته‌بندی از ساختارهای سازمانی، به ساختارهای ایدئولوژیک (رسالتی) اشاره دارد که انطباق بیشتری با مفهوم سازمان‌های فرهنگی در ایران دارند. طبق نظر مینتزبرگ، در سازمان‌های ایدئولوژیک از نظام نظارت و برنامه‌ریزی کمتری استفاده می‌شود و بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که سازمان‌های ایدئولوژیک ساختار فنی اندکی دارد. آنها به عواملی چون تخصص‌گرایی در مشاغل، تفکیک بخش‌ها و تقسیم موقعیت‌ها توجهی ندارد و هماهنگی از

طریق استاندارد هنجارها صورت می‌گیرد. سازمان ایدئولوژیک بر آداب و رسوم و ارزش‌ها استوار است (نقل در صالح اولیاء، ۱۳۸۵). معنای فرهنگ در نهادهای فرهنگی در ایران با تعریف فرهنگ در بیشتر مطالعات سازمان فرهنگی، سازگاری ندارد؛ زیرا بیشتر این تعاریف به جنبه اوقات فراغت یا جنبه‌های مادی فرهنگ گرایش و بر آن تأکید دارند که با ماهیت و محتوای سازمان‌های فرهنگی در ایران تفاوت دارد که هویت‌گرا و رسالت‌محورند.

مهم‌ترین تفاوت میان نهادهای فرهنگی موردنظر با نهادهای فرهنگی متعارف این است که هدف نهادهای فرهنگی عرفی، بهبود و ارتقاء کیفیت زندگی شهروندان است و به‌طور کلی در حوزه اوقات فراغت، سرگرمی و نشاط یا همبستگی اجتماعی و شهروند فرهنگی دسته‌بندی می‌شود، اما نهادهای موردنظر در این گزارش، نهادهای رسالت‌محور و ایدئولوژیکی هستند که هدفشان ترویج عقیده خاص و انسان‌سازی در تراز مکتب تشیع است. به عبارتی دیگر، در نهادهای عرفی هدف، تأمین رضایت شهروندان است، اما در نهادهای دینی، مقصود ارتقاء ایمان، عمل و هویت دینی است.

### طبقه‌بندی نهادهای فرهنگی در ایران

طبقه‌بندی سازمان‌های فرهنگی، در فرایند ارزیابی تصویر دقیق‌تری ارائه می‌کند. از سوی دیگر، رویکردهای متفاوتی برای طبقه‌بندی سازمان‌ها وجود دارد که در اینجا به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

نهادهای فرهنگی در ایران را می‌توان به سه دسته تقسیم‌بندی کرد:

#### سازمان‌ها و نهادهای سیاست‌گذار

شورای عالی انقلاب فرهنگی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، صداوسیما جمهوری اسلامی ایران.

#### سازمان‌ها و نهادهای مجری

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان صداوسیما

جمهوری اسلامی ایران، سازمان خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، سازمان اوقاف و امور خیریه، سازمان میراث فرهنگی، سازمان ایرانگردی و جهانگردی، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، سازمان حج و زیارت، سازمان ملی جوانان، سازمان فرهنگی و هنری شهرداری، بنیاد حفظ و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، دفتر تبلیغات اسلامی، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ستاد امر به معروف و نهی از منکر، ستاد اقامه نماز، فرهنگستان زبان فارسی، کتابخانه ملی، شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، نیروی مقاومت بسیج، مرکز رسیدگی به امور مساجد، دفتر امور مشارکت بانوان.

#### سازمان‌ها و نهادهای ناظر

شورای عالی انقلاب فرهنگی، نهاد رهبری، شورای نظارت بر صداوسیما (صالحی امیری، ۱۳۹۴: ۲۵۵).

براساس این دسته‌بندی، برخی از دستگاه‌ها و نهادهای فرهنگی در دو دسته قرار گرفته‌اند. علت این دوگانگی، کارکردهای دوگانه این دستگاه‌ها و نهادهاست. به‌طور مثال وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، هم نقش سیاست‌گذاری فرهنگی را برعهده دارد و هم نقش مجری را در برخی از امور فرهنگی عهده‌دار است.

نهادهای فرهنگی مصادیق متنوعی دارد. آنچه در این بررسی و گزارش توصیفی و تحلیلی منظور است، نهادهایی است که به‌طور مشخص از بودجه دولت برخوردارند.

بنابر تعریفی، این نهادها در سه بخش قابل تقسیم است:

۱. نهادهای حاکمیتی
۲. نهادهای دولتی
۳. نهادهای عمومی

بر این اساس، نهادهای فرهنگی برخوردار از بودجه دولتی به شرح جدول

زیر است:

جدول ۱. دسته‌بندی حوزه‌ها و نهادهای فرهنگی

حوزه	نهاد
دستگاه‌ها و سازمان‌های حاکمیتی	<p>– شورای عالی انقلاب فرهنگی</p> <p>– سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران</p> <p>سازمان تبلیغات اسلامی</p> <p>پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی</p> <p>مرکز اسناد انقلاب اسلامی</p> <p>– ستاد اقامه نماز</p> <p>مرکز پژوهشی علوم انسانی اسلامی</p> <p>مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی</p> <p>مرکز رسیدگی به امور مساجد</p> <p>مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی</p> <p>نمایندهای ولی فقیه در سازمان‌ها و مراکز</p> <p>مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)</p>
دستگاه‌ها و سازمان‌های دولتی	<p>– وزارت علوم، تحقیقات و فناوری</p> <p>- وزارت آموزش و پرورش</p> <p>وزارت ارشاد اسلامی</p> <p>وزارت ورزش و جوانان</p> <p>سازمان میراث فرهنگی و گردشگری</p>
نهادهای عمومی	<p>– شورای فرهنگ عمومی</p> <p>- شورای گسترش زبان فارسی</p> <p>هیئت امنای کتابخانه‌های عمومی</p> <p>حوزه‌های علمیه</p> <p>سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران</p> <p>جهاد دانشگاهی</p> <p>- دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم</p> <p>فرهنگسراها</p>

از منظری دیگر، نهادهایی که فعالیت فرهنگی آن‌ها بیشتر سویه دینی دارند و از بودجه برخوردارند، عبارتند از:

جدول ۲. نهادهای دینی برخوردار از بودجه

ردیف	نام دستگاه	حوزه فعالیت			منابع مالی	
		کاملاً مذهبی	سایر حوزه‌ها	بودجه عمومی	بودجه عمومی و سایر منابع	
۱	سازمان تبلیغات اسلامی	*			*	
۲	سازمان اوقاف و امور خیریه	*			*	
۳	سازمان حج و زیارت	*		*		
۴	ستاد امر به معروف و نهی از منکر	*		*		
۵	اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان		*	*		
۶	ستاد مرکزی اقامه نماز	*			-	
۷	نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها		*	*		
۸	مرکز مدیریت حوزه علمیه قم	*			*	
۹	بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس		*	*		
۱۰	کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی	*			*	
۱۱	مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)		*	*	*	
۱۲	پژوهشگاه امام خمینی (ره)		*	*	*	
۱۳	مرکز رسیدگی به امور مساجد	*		*		
۱۴	دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم	*			*	
۱۵	پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی	*				
۱۶	پژوهشکده باقرالعلوم	*				
۱۷	دانشگاه مفید	*				
۱۸	حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی		*	*	*	
۱۹	ستاد عالی نظارت بر کانون‌های فرهنگی مساجد	*		*	*	

ردیف	نام دستگاه	حوزه فعالیت		منابع مالی	
		کاملاً مذهبی	سایر حوزه‌ها	بودجه عمومی و سایر منابع	بودجه عمومی
۲۰	شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی		*	*	
۲۱	مرکز جهانی علوم اسلامی	*		*	
۲۲	مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)		*	*	
۲۳	مرکز بزرگ اسلامی غرب کشور	*		*	
۲۴	سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی		*	*	
۲۵	مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی	*		*	
۲۶	مجمع جهانی اهل بیت	*		*	
۲۷	وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی		*	*	

## مسئله اساسی نهادهای فرهنگی در ایران

مسئله تنوع مراکز و نهادهای فرهنگی در جمهوری اسلامی به موضوعی جدید در افکار عمومی بدل شده است. درمورد تعداد این نهادها هنوز اطلاع دقیقی در دست نیست. بنابر تحقیقی از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی، این تعداد حدود ۴۵۵ نهاد شناسایی شده است (گودرزی و شیخ‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۲۰)، هرچند در جایی در همین مقاله تعداد این نهادها ۴۲۲ مورد شمرده شده است. توجه اساسی افکار عمومی و نخبگان معطوف به ارقام چندهزاری میلیاردی بودجه نهادهای فرهنگی، هزینه و کارآمدی آنهاست. موضوع تعدد نهادها، چند سالی است که به «مسئله‌ای» رسانه‌ای تبدیل شده است. در بودجه سال ۹۷، دولت در راستای شفاف‌سازی، جدول ۱۷ در لایحه بودجه را حذف کرد. جدول ۱۷، بودجه ۶۰ نهاد غیردولتی در حوزه فرهنگی بود که عضو کمیسیون فرهنگی مجلس دلیل حذف آن را «پاسخ‌گویی نامناسب درخصوص نحوه هزینه‌کرد برشمرد که پیش‌ازاین مورد انتقاد بسیاری از نمایندگان مجلس و مسئولان بوده است؛ تا جایی که بسیاری از آنها از این جدول به‌عنوان ردیف‌های «بی‌حساب و کتاب بودجه»

یاد می‌کردند. به‌گفته آن‌ها، توزیع بی‌حساب و کتاب بودجه به نهادهایی با عنوان کلی و نبود نظارت بر هزینه‌کرد این رقم اعتبار فرهنگی با شفاف‌سازی بودجه همخوانی نداشته‌است» (پایگاه اطلاع‌رسانی دولت، ۹۶/۱۱/۱).

دولت در سال ۱۳۸۳، مصوبه شورای عالی اداری (یکصد و سیزدهمین جلسه مورخ ۱۳۸۳/۲/۱۷) را اعلام کرد که ناظر به مسئله افزایش اثربخشی و حذف فعالیت‌های موازی دستگاه‌های تبلیغی و فرهنگی کشور بود. در این مصوبه آمده است: ۱. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موظف است با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نسبت به بررسی مأموریت‌های دستگاه‌های تبلیغی و فرهنگی قوه مجریه اقدام کنند و پیشنهاد لازم را در مورد ابقاء، انحلال، واگذاری و یا ادغام دستگاه‌های نامبرده به شورای عالی اداری ارائه نمایند.

۲. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موظف است درباره آن دسته از نهادها و واحدهای تبلیغی و فرهنگی که از بودجه عمومی دولت کمک دریافت می‌کنند، ضوابط لازم را برای ارائه تسهیلات مالی، اخذ گزارش عملکرد و نحوه پاسخ‌گویی واحدهای یادشده در رابطه با کمک‌های دریافتی تنظیم کند و براساس آن، در لوایح بودجه اقدام نماید.

۳. درخصوص انحلال، ادغام، ابقاء و یا واگذاری فعالیت‌ها به بخش غیردولتی، آن دسته از دستگاه‌ها و نهادهای تبلیغی و فرهنگی عمومی غیردولتی، کارگروهی با مسئولیت سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور مرکب از نمایندگان دفتر مقام معظم رهبری (در صورت معرفی) و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ظرف مدت چهار ماه به‌منظور بررسی وظایف و فعالیت‌های دستگاه‌های نام‌برده تشکیل شود و پیشنهاد لازم را برای طرح در شورای عالی اداری آماده کند.

مطابق سند اصول سیاست فرهنگی کشور (مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۱) در بخش ب، دو بند از اهداف سند، نشانگر توجه به هدف سامان‌دهی و هماهنگی‌اند: بند ۲؛ ایجاد وحدت رویه فرهنگی در میان دستگاه‌های مختلف نظام و بسیج امکانات، تلاش‌ها و برنامه‌های فرهنگی در جهت پاسخ‌گویی به نیازهای فرهنگی جامعه. بند ۴؛ تمهید لازم در جهت همسویی

و مغایرت نداشتن طرح‌ها و برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی و غیرفرهنگی، اما دارای نتایج فرهنگی با سیاست فرهنگی کشور. همچنین در بخش اولویت‌ها و سیاست‌های کلی سند اصول سیاست فرهنگی کشور، بند ۱۲ از اولویت‌ها چنین است: تمرکز در سیاست‌گذاری، دوری از تمرکز در امور اجرایی و هماهنگی تشکیلات و فعالیت‌های فرهنگی کشور (جعفری هفت‌خوانی؛ ۱۳۹۰).

علی مطهری در پاسخ به انتقاد دکتر زیباکلام در مورد اختصاص ۷۸ درصد بودجه ۶ هزار میلیاردی در سال ۹۴ به نهادهای غیرپاسخ‌گو توضیح داد:

در حال حاضر، تقسیم بودجه فرهنگی میان سازمان‌ها و نهادهای مختلف چندان عادلانه و براساس ارزیابی عملکرد آن‌ها در سال‌های گذشته نیست. دولت باید در زمان تنظیم لایحه بودجه ارزیابی کاملی از فعالیت سال گذشته این سازمان‌ها و نهادها داشته باشد و بودجه سال آینده آن‌ها را به نسبت کارآمدی و تأثیرگذاری آن‌ها معین کند. همین‌طور مجلس در تغییراتی که در لایحه بودجه اعمال می‌کند، باید معیار را میزان تأثیرگذاری آن سازمان‌ها و نهادها در رفع آسیب‌های فرهنگی کشور و رشد شاخص‌هایی مانند سبک زندگی اسلامی و فرهنگ عمومی قرار دهد (مشرق نیوز، ۱۳۹۴/۴/۵).

این انتقادها که پاسخ مخالفان را نیز در پی داشته است، همچنان ادامه دارد و موضوع نهادهای فرهنگی و کارآمدی آن‌ها در جریان‌های فرهنگی کشور، وضعیت کنونی و آینده این نهادها را با چالش مواجه کرده است. از سوی دیگر، روند وضعیت فرهنگی در ایران نیز با ارقام بودجه و تنوع این نهادها نسبتی ندارد. پژوهش‌ها نشان می‌دهد به‌رغم هزینه‌های بسیاری که در حوزه فرهنگ و باورهای هویتی و ارزشی صورت گرفته است، بازخوردها و پیامدهای آن، ربط مستقیمی با این هزینه‌ها ندارد. وضعیت کنونی فرهنگی و تنوع نهادهای فرهنگی، امروزه موضوعی است که به‌طور جدی به «مسئله فرهنگی» بدل شده است. پرسش اساسی در اینجا این است که ویژگی‌های این مسئله فرهنگی چیست؟



## سطوح مسائل نهادهای فرهنگی در ایران

نهادهای فرهنگی در ایران را از منظرهای متفاوت و البته مکمل هم می‌توان تشریح و تحلیل کرد. از این منظر، مسئله نهادهای فرهنگی را می‌توان در چهار سطح دسته‌بندی کرد:

- سطح بخشی نهاد فرهنگی؛
- سطح فرابخشی نهادهای فرهنگی؛
- سطح محیط ملی فرهنگ؛
- سطح محیط جهانی فرهنگ.

درواقع، مدل هندسی این رویکرد در شکل زیر بیان می‌شود:



شکل ۱. چهار سطح مسائل نهادهای فرهنگی در ایران

چهار سطح مسائل نهادهای فرهنگی مشتمل بر خود نهاد و مسائل بخشی یعنی هدف، راهبرد، سیاست و اقدام در سطح نهادهای فرهنگی، فرابخشی یعنی تعامل، هماهنگی و هم‌افزایی میان نهادهای فرهنگی، در سطح محیط ملی فرهنگ یعنی

تأثیرگذاری و انعطاف‌پذیری نسبت به محیط بیرونی بلافصل و فرهنگ زنده محیط ملی و سطح محیط جهانی یعنی تعامل و روابط دوجانبه و دیالکتیکی میان نهاد یا نهادهای فرهنگی ملی با فرهنگ جهانی.

در مورد مسائل در این چهار سطح و سلسله‌مراتب ساختاری چالش‌های نهادهای فرهنگی در زیر توضیح داده می‌شود:

### سطح بخشی نهاد فرهنگی

در سطح بخشی نهاد فرهنگی، ساختار نهاد موضوعیت دارد. در این ساختار، بر اهداف و روش هدف‌گذاری، نوع سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و کیفیت اقدام تأکید می‌شود. در همین چارچوب، منابع ساختاری مشتمل بر منابع مالی، انسانی، اسنادی، فن‌آوری و سازمانی نیز مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرند. شاخص ارزیابی در این سطح، اثربخشی است؛ زیرا به‌خوبی نشان می‌دهد که نهاد یا سازمان همچنان در مسیر اهداف خود پیش می‌رود یا به‌مرور زمان دچار انحراف از هدف شده است. به‌عبارت دیگر، پرسش اساسی این است که آیا رویه‌ها و عملکرد نهاد موجب تحقق اهداف می‌شوند؟

اسناد بالادستی دولت و نهادهای فرادستی مانند مصوبه شورای عالی اداری یا سند سیاست فرهنگی کشور مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی به این پرسش که نهادهای فرهنگی کنونی در ایران اثربخشی دارند، پاسخ مثبت و تأییدآمیزی نمی‌دهند.

به‌عنوان نمونه می‌توان به وضعیت اثربخشی در بزرگ‌ترین نهاد فرهنگی اسلامی پس از وزارت فرهنگ و صداوسیما، یعنی «سازمان تبلیغات اسلامی» اشاره کرد که شورای عالی انقلاب فرهنگی در جلسه ۶۰۵ خود مورخ ۱۳۸۶/۳/۸ آن را با عنوان «راهکارهای ارتقای عملکرد سازمان تبلیغات اسلامی» بررسی کرد. در بخشی از این مصوبه در مورد اثربخشی در این سازمان آمده است:

«مستندات ارائه‌شده از سوی سازمان فاقد ارزیابی‌های درونی است. به‌نظر می‌رسد سازمان نسبت به ارزیابی اثربخشی فعالیت‌های خود در میان مخاطبان توجه شایسته نشان نمی‌دهد. عنایت سازمان به ایجاد سازوکار مناسب برای

ارزیابی درونی، امکان ارزیابی جامع بیرونی و میزان اثربخشی در تحقق اهداف و سیاست‌های فرهنگی را تسهیل خواهد کرد.

– گستردگی بیش از اندازه مأموریت‌ها و وظایف سازمان، کمبود نیروی انسانی متخصص، تداخل وظایف با سازمان‌های دیگر، درگیر شدن بیش از حد در اجرا و نیاز به توجه بیشتر به امر آموزش و پژوهش از اهم چالش‌های سازمان است.

– سازمان تبلیغات اسلامی باید نسبت به انجام ارزیابی درون سازمانی و ارائه گزارش عملکرد و کمک به انجام ارزیابی‌های برون سازمانی و استفاده از نتایج آن‌ها برای روزآمد نمودن فعالیت‌ها و رفع چالش‌ها، اهتمام ویژه داشته باشد.

– میزان اثربخشی برنامه‌ها و فعالیت‌ها برای ارتقاء روحیه دینی و رفتار مذهبی از طریق سنجش افکار نخبگان دانشگاهی و حوزوی و نظرسنجی از مردم به‌ویژه جوانان باید مورد توجه سازمان قرار گرفته و در اجرای برنامه‌ها از آن‌ها استفاده شود.

– سازمان تبلیغات اسلامی باید نسبت به تدوین شاخص‌های دینی به‌ویژه شاخص‌های کیفی حوزه دین مرتبط با فعالیت‌های خاص خود اقدام نماید. لازم است شاخص‌های مزبور از طریق مطالعات علمی و جامع فراهم آید تا ارزیابی و سنجش اثربخشی سازمان را به‌طور شفاف میسر سازد. همچنین، سازمان باید نسبت به ارزیابی اثربخشی و روند تحولات شاخص‌های دینی با هیئت نظارت و ارزیابی فرهنگی و علمی همکاری کند.

– سازمان تبلیغات اسلامی موظف است ضمن ارتباط مستمر و سازمان‌یافته با مراکز علمی و تحقیقاتی حوزوی و دانشگاهی، فرایند اجرایی و برنامه‌ریزی‌های خود را با انجام مطالعات و تحقیقات توسعه‌ای و کاربردی ارتقاء بخشد و از روش‌های علمی و فناوری‌های جدید و هنرهای زیبا برای جذابیت برنامه‌های خود به‌نحو احسن استفاده کند».

درواقع، نهادهای فرهنگی که بیشتر آن‌ها مولود دهه‌های ۶۰ و ۷۰ هستند، در خلال سال‌ها و دهه‌ها در مورد اهداف، ساختار و سیاست‌های خود با شاخص اثربخشی و در نهایت بهره‌وری اصلاحی صورت نداده‌اند و هیچ سند و پژوهشی دال بر این تغییر رویه و ساختار وجود ندارد.

### سطح فرابخشی نهادهای فرهنگی

در سطح فرابخشی نهادهای فرهنگی، مسئله اساسی این است که آیا میان نهادهای فرهنگی تعامل، هماهنگی و هم‌افزایی وجود دارد و این نهادها به‌مثابهٔ پیکره‌ای واحد به‌نحوی منسجم هدف‌گذاری، سیاست‌گذاری و اقدام می‌کنند یا چون جزیره‌های پراکنده، در خود و خودبسند هستند. شاخص‌های ارزیابی در این سطح، هماهنگی و کارایی است.

به‌تعبیر جعفری هفتخوانی، «هماهنگی گسترده‌تری مفهوم فرهنگ و اهداف عالی فرهنگی نظام جمهوری اسلامی و نیز تعداد قابل‌ملاحظهٔ سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی کشور به‌خوبی ضرورت هماهنگی میان نهادها را می‌نمایاند... تمایل به گریز از مرکز درعین حال استقلال‌کارکردی، دو خصیصهٔ عمومی همهٔ سازمان‌ها به‌عنوان سیستم‌های باز است که موجب می‌شود هر واحد سازمانی، خود را غایت وجودی و مهم‌ترین بخش از یک مجموعهٔ سازمانی بیانگارد و از تأثیر و پیامدهای فعالیت‌های خود در نتایج فعالیت‌های سایر سازمان‌ها بی‌اطلاع بماند» (جعفری هفتخوانی، ۱۳۹۰: ۴۰).

مسئله ناهماهنگی در برنامه‌ریزی و اقدام در میان نهادهای فرهنگی ایرانی، مسئله‌ای فراگیر و بارز است و بسیاری از تحقیق‌ها و اسناد بر نبود وحدت عملی در میان این نهادها دلالت دارد. بخش درخور توجهی از این اسناد به شورای عالی انقلاب فرهنگی به‌عنوان نهاد مسئول هماهنگ‌کننده و سیاست‌گذار در این مورد تعلق دارد.

در مقاله «چالش‌های پیش‌روی فعالیت‌های فرهنگی دستگاه‌ها و نهادهای دولتی فرهنگی» در نشریهٔ مهندسی فرهنگی (دی ماه ۱۳۸۵، شماره پنج) نویسندگان با خلاصه کردن نتایج پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه سامان‌دهی وضعیت سازمان‌های فرهنگی، چالش‌های اساسی مورد توجه در مطالعات انجام‌شده را چنین برمی‌شمرند:

نهادها و سازمان‌های فرهنگی کشور اعم از دولتی و غیردولتی با معضلات اساسی تشکیلاتی و سازمانی مواجه هستند.

این سازمان‌ها براساس مجموعه‌ای از ضرورت‌ها و نیازهای مشهود اجتماعی برای ارائه خدمات تعریف شده‌اند و مرتباً به تعداد آن‌ها اضافه شده‌است ... نحوه سازمان‌دهی، مدیریت، تنظیم و اجرای فعالیت‌ها، هماهنگی‌ها و اتخاذ تصمیمات خرد و کلان در سطوح ملی و سازمانی، تناسبی با وظایف محوله به هریک از این سازمان‌ها نداشته و پاسخ‌گوی تقاضا و نیاز جامعه به این‌گونه خدمات نیست. ساختار کلان تشکیلات فرهنگی کشور، علاوه بر فقدان رابطه ارگانیک سازمانی، با تعدد دستگاه‌های اجرایی، موازی‌کاری، تداخل وظایف، تعدد مجاری تصمیم‌گیری، فقدان متولی برای برخی امور مواجه است (حسینی و کرامتی، ۱۳۸۵: ۱۲).

در تحقیقی جامع که از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی و به کوشش غلامرضا گودرزی و محمد شیخ‌زاده در سال ۱۳۸۸ با عنوان «تحلیل وضعیت موجود سامان‌دهی نهادهای فرهنگی کشور با نگاهی به مفهوم و مبانی مهندسی فرهنگی» صورت گرفت؛ ضمن شناسایی ۴۵۵ نهاد فرهنگی، وضعیت آن‌ها از حیث وظایف به شرح زیر تقسیم‌بندی شده است:

- این اطلاعات در تحلیل وضع موجود مطرح می‌شود:
- تعداد ۳۱ ساختار (۶/۸۲ درصد) سیاست‌گذاری می‌کنند.
  - تعداد ۹۲ ساختار (۲۰/۸۲ درصد) برنامه‌ریزی می‌کنند.
  - تعداد ۴۲۵ ساختار (۹۳/۶۱ درصد) پشتیبانی عمومی می‌کنند.
  - تعداد ۴۳۶ ساختار (۹۵/۰۳ درصد) پشتیبانی تخصصی می‌کنند.
  - تعداد ۲۹ ساختار (۶/۳۸ درصد) برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری می‌کنند.
  - تعداد ۱۶ ساختار (۳/۵۲ درصد) برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری، پشتیبانی عمومی و تخصصی می‌کنند.
  - تعداد ۲۸ ساختار (۶/۱۶ درصد) در زمینه آموزشی فعالیت دارند.
  - تعداد ۳۵۹ ساختار (۲۷/۵۳ درصد) در زمینه پژوهشی فعالیت دارند.

- تعداد ۱۲۵ ساختار (۲۷/۵۳ درصد) در زمینه تبلیغی فعالیت دارند.
- تعداد ۱۶ ساختار (۳/۵۲ درصد) در زمینه آموزشی و پژوهشی فعالیت دارند.
- تعداد ۶۳ ساختار (۱۳/۸۷ درصد) در زمینه تبلیغی و پژوهشی فعالیت دارند.
- تعداد ۸ ساختار (۰/۴۳ درصد) در زمینه آموزشی، پژوهشی و تبلیغی فعالیت دارند.

- تعداد ۲۸ ساختار (۶/۱۶ درصد) زمینه فعالیتشان مشخص نیست.

از جمله نتایج این تحقیق عبارت است از:

- در حال حاضر، تعدادی از مجموعه‌ها و نهادهای فرهنگی یافت می‌شوند که نقش سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و پشتیبانی عمومی و تخصصی را در زمینه امور فرهنگی برعهده دارند؛ بدون آنکه این وظیفه در قبال سازمان مشخصی باشد.
- در برخی از موارد برای یک مسئله فرهنگی دو مجرای سیاست‌گذاری یا برنامه‌ریزی لحاظ شده است. برای مثال ستاد اقامه نماز، نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه‌ها و وزارت علوم و تحقیقات و فن‌آوری مسئولیت سیاست‌گذاری در مسئله نماز و گسترش روحیه معنویت در دانشگاه‌ها را برعهده دارند.
- بین عملکرد و کارکرد نهادهای فرهنگی تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود.
- در بسیاری از موارد وابستگی بین نهادها به‌طور کامل تعریف نشده است.

- اطلاعات و داده‌های مربوط به نهادهای فرهنگی اعم از کارکردی و عملکردی به‌روز نیست یا مواردی اصلاً موجود نیست. (گودرزی و شیخ‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۳۳) در تحقیقی دیگر با عنوان «بررسی اهداف و وظایف نهادهای رسمی فرهنگی در ایران و ارائه راهکار هماهنگ‌سازی این نهادها» به قلم دکتر هاشم نیکومرام و مسعود حداد که در مجله مدیریت فرهنگی (سال اول، پیش شماره اول؛ زمستان ۱۳۸۶) منتشر شد، با استناد به یافته‌های پژوهش، موارد زیر از جمله اساسی‌ترین ضعف‌ها در هماهنگی فعالیت‌های فرهنگی برشمرده شده است:

- ابهام در مأموریت‌ها و وظایف محوله به سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی؛
- تصمیم‌گیری براساس وضعیت موجود و نبود برنامه‌های جامع آینده‌نگر؛

- تمایل به استفاده از شیوه‌ها و ابزارهای سنتی و کمبود توجه به نوگرایی؛
- گسترش مدیریت سلیقه‌ای و موردی در حوزه تولید فعالیت‌ها؛
- جداسازی مدیریت فرهنگی از مدیریت کلان کشور.

در سطح فرابخشی، نهادهای فرهنگی در زمینه‌های متفاوت سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اقدام تداخل عملکرد دارند و هر کدام به‌مثابه نهادی خودپسنده و ناهماهنگ با دیگران عمل می‌کنند. کمترین زیان این ناهماهنگی و ناهم‌افزایی ائتلاف منابع انسانی و مالی و نبود بهره‌وری میان‌پیکره واحد نهادهای فرهنگی است.

### سطح محیط ملی فرهنگ

در سطح سوم و محیط ملی فرهنگ مسئله اساسی تمایز میان نگرش و سیاست‌گذاری فرهنگی نهادها با دگردیسی فرهنگی در میان اقشار جامعه به‌خصوص زنان و جوانان است. به‌عبارتی می‌توان از آن به‌عنوان «گسست میان فرهنگ رسمی و فرهنگ عمومی» نام برد. بخش مهمی از فرهنگ عمومی به فرهنگ زیرزمینی یا زیرزمینی شدن فرهنگ اختصاص دارد.

مهم‌ترین شاخص ارزیابی در این زمینه «انعطاف‌پذیری» یا سازگاری عملکرد نهاد با محیط بلافصل آن، یعنی جامعه است. شکاف میان نهاد یا نهادهای فرهنگی با جریان‌های فرهنگی سبب شده است تا نهادها به‌جای درک منطق و سرشت دگردیسی فرهنگی با مقاومت در برابر تغییر، بکوشند جامعه را با رنگ، شکل و محتوای فرهنگی خود سازگار کنند یا به شیوه‌های قهری با آن بستیزند. از نشانه‌های بارز این شکاف فرهنگی، شکاف میان تولید محصولات فرهنگی نهادها با مصرف آن است. جامعه به محصولات فرهنگی و هویتی نهادهای رسمی تمایلی ندارد و این شکاف موجب افزایش تقاضاهای مالی برای رفع زیان‌دهی و ناسودمندی و فروش نرفتن محصولات فرهنگی است تا به شکلی دیگر، زیان انباشته را جبران کنند. ریشه بسیاری از افزایش تقاضاهای مالی و بودجه فرهنگی همین شکاف فرهنگی میان تولید با مصرف است. ازجمله دلایل شکاف میان سیاست فرهنگی نهادها با جامعه را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

در حال حاضر در اکثر کشورها، وضعیتی حاکم است که احتمال توفیق سیاست یکسان‌سازی فرهنگی را تا حد زیادی کاهش می‌دهد. عوامل عام یا «مواریث مدرنیته» که کم‌وبیش در اکثر جوامع معاصر وجود دارند، عبارت‌اند از:

۱. جمعیت انبوه؛

۲. خرده‌فرهنگ‌های متنوعی که در اثر تفکیک اجتماعی به‌وجود آمده‌اند؛

۳. بالا بودن غلظت نمادی محیط جوامع و وجود بزرگ‌راه‌های اطلاعاتی

که در اثر گسترش ارتباطات جمعی حاصل شده‌اند؛

۴. گسترش تخصص‌ها، رشد علم و فن‌آوری، بسط نمادسازی و ازدیاد

سرعت جریان اطلاعات در عرصه‌های گوناگون جامعه؛

۵. مهاجرت و تحرک روانی جمعیت؛

۶. بالا بودن پویایی اجتماعی (نسبت به گذشته).

هرکدام از عوامل مزبور به‌تنهایی قادرند به‌عنوان رادعی بر سر راه سیاست یکپارچگی فرهنگی عمل نمایند. اما نکته مهم‌تر آنکه ترکیب و تعامل عوامل مزبور در واقع سدی را در مقابل سیاست یکسان‌سازی فرهنگی در جامعه ایجاد می‌نمایند. (سایت شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۸)

اسناد و مطالعات بسیاری از جمله اسناد فرادستی و مطالعات شورای عالی انقلاب فرهنگی، این شکاف فرهنگی را تأیید می‌کنند. در مصوبه جلسه ۶۰۵ مورخ ۸/۳/۸۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی در مورد سازمان تبلیغات به‌روزی نبودن سیاست‌ها و اقدامات این نهاد آمده است:

«بازنگری در ساختار سازمانی، حدود وظایف، چگونگی هزینه نمودن بودجه‌های دولتی و غیردولتی و نظائر آن از طریق انجام مطالعات و پژوهش‌های علمی و به‌کارگیری همه ظرفیت‌ها برای کارایی بیشتر سازمان و مجامع وابسته بدان، ضروری است.

– سازمان تبلیغات اسلامی باید نسبت به انجام ارزیابی درون سازمانی و ارائه گزارش عملکرد و کمک به انجام ارزیابی‌های برون‌سازمانی و استفاده از نتایج آن‌ها برای روزآمد نمودن فعالیت‌ها و رفع چالش‌ها، اهتمام ویژه داشته باشد.



– سازمان تبلیغات اسلامی باید نسبت به تدوین شاخص‌های دینی به‌ویژه شاخص‌های کیفی حوزه دین مرتبط با فعالیت‌های خاص خود اقدام نماید. لازم است شاخص‌های مزبور از طریق مطالعات علمی و جامع فراهم آید تا ارزیابی و سنجش اثربخشی سازمان را به‌طور شفاف میسر سازد. همچنین سازمان باید نسبت به ارزیابی اثربخشی و روند تحولات شاخص‌های دینی با هیئت نظارت و ارزیابی فرهنگی و علمی همکاری کند.

– سازمان تبلیغات اسلامی موظف است ضمن ارتباط مستمر و سازمان‌یافته با مراکز علمی و تحقیقاتی حوزوی و دانشگاهی، فرایند اجرایی و برنامه‌ریزی‌های خود را با انجام مطالعات و تحقیقات توسعه‌ای و کاربردی ارتقاء بخشد و از روش‌های علمی و فناوری‌های جدید و هنرهای زیبا برای جذابیت برنامه‌های خود به‌نحو احسن استفاده کند.

– سازمان تبلیغات اسلامی باید مخاطبان عام و خاص خود را مورد توجه کافی قرار داده و برنامه‌ریزی‌ها و فعالیت‌های متناسب با هریک از اقشار جامعه و نیازها و سلاقی و روحیات آن‌ها را انجام دهد».

در تحقیقی دیگر که در سال ۱۳۸۶ از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی با عنوان «نوسازی و ارتقای اثربخشی نهادهای دینی و تبلیغات اسلامی» صورت گرفت، درمورد آسیب‌شناسی نهادهای فرهنگی – دینی آمده است:

حرکت شتابان نخبگان و برنامه‌ریزان حوزه فرهنگی و دینی به‌سمت تأسیس و ایجاد مراکز متعدد، به موازی‌کاری در امور مختلف در اداره این بخش انجامیده است. لزوم گسترش مشارکت مردم در عرصه‌های فعالیت‌های فرهنگی مورد قبول همگان است. اما آنچه انجام گرفته است نه مشارکت و جلب حضور بیشتر مردم، بلکه ایجاد سازمان‌های مکرر و موازی و حتی دارای اثر خنثی‌کنندگی بر یکدیگر بوده است؛ به‌گونه‌ای که امروزه در جمهوری اسلامی به‌غیر از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، شورای عالی انقلاب

فرهنگی، صداوسیما، کانون‌های مساجد، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری که رسماً متولی رشد و توسعه فرهنگی جامعه هستند، ده‌ها سازمان دیگر نیز با بودجه‌های کلان دولتی مشغول فعالیت‌های فرهنگی هستند که حتی بدون یک ارزیابی عملکرد می‌توان ادعا نمود، تاکنون تأثیر چندانی بر بهبود مؤلفه‌های فرهنگ اسلامی و دینی‌سازی فرهنگ نداشته‌اند. به عبارت دیگر، مردمی‌سازی فعالیت‌های مربوط به فرهنگ دینی جای خود را به سازمان‌سازی فرهنگی داده است (سایت شورای عالی انقلاب فرهنگی).

مسئله اساسی در سطح محیط ملی فرهنگ، فقدان انعطاف‌پذیری در نهادهای فرهنگی متناسب با واقعیت‌های متنوع تکثر فرهنگی، تحولات در سلاقی و نیازهای فرهنگی اقشار جامعه و نرخ شتاب در محصولات و کالاهای فرهنگی در جامعه است.

### سطح محیط جهانی فرهنگ

سطح چهارم مسائل فرهنگی، محیط فرهنگ در گستره جهانی و تحولات فرهنگی آن است. تحولات فناوری ارتباطی و اطلاعاتی، رشد میزان گردشگری جهانی در بین ایرانیان و مراودات و روابط اجتماعی، فرهنگی و حرفه‌ای با جهان سبب شده است تا باورها و نگرش‌های متأثر از روندهای جهانی، شهروند ملی را به شهروند جهانی متحول سازد و هویت ملی دستخوش تغییرهای اساسی شود که متأثر از روند جهانی‌سازی فرهنگ است. به گفته مرحوم شایگان، هویت ملی و سنتی گذشته به هویتی چهل تکه بدل شده است.

نشانه این تغییر، جابه‌جایی و بی‌وطنی فرهنگی است و مکان در این روند بی‌معنی شده است. نماد این روند گریز از مرکز را در فیلم‌های ایرانی می‌توان مشاهده کرد. محل فیلم‌برداری بخش زیادی از فیلم‌های ایرانی از ایران به خارج از کشور تغییر کرده است. این تغییر و جابه‌جایی هم برای تأمین نیازها و سلاقی نوین مصرف‌کننده فیلم ایرانی و هم برای توجه و

تمایل نشان‌دادن به دادوستد فرهنگی و هنری با جهان فرهنگی است. این روند در ذائقه موسیقایی ایرانیان برجسته است. چهره‌های محبوب موسیقایی ایرانیان بیشتر هنرمندان پاپ، راک، ... یا حتی هنرمندان موسیقی کلاسیک غربی هستند و میان چهره محبوب ایرانیان با شهروندان جهانی تفاوتی وجود ندارد. در سایر بخش‌های فرهنگ و هنر مانند رمان، ادبیات، شعر و هنرهای تجسمی نیز فاصله‌های مکانی بی‌معنی شده است. مرزهای محیط ملی فرهنگ در تعامل با فرهنگ و محیط جهانی روزبه‌روز فرو می‌ریزد و تمایزها برچیده شده است.

در این روند، نقش نهادهای فرهنگی داخلی به دلیل مقاومت در برابر فرهنگ جهانی (درست یا نادرست) و نیز محدودیت‌های هدف‌گذاری و سیاست‌هیتی و فرهنگی آن‌ها به تدریج در حال کم‌رنگ‌شدن است و از تأثیرگذاری و اقتدار نهادین آن‌ها کاسته شده است.

محیط پُررقابت و چالش‌برانگیز فرهنگی بیشتر از حیث فناوری و فن‌هنری برای نهادهای فرهنگی ایرانی مسئله‌ساز و رقابت‌ناپذیر شده است. کالاهای فرهنگی ایرانی یا با محصولات غربی و حتی شرقی مانند ترک، هندی و ... رقابت‌پذیر نیستند یا آن‌هایی که توان این رقابت را دارند، مجال و میدان هنری و فرهنگی شایسته و بایسته را نمی‌یابند یا دچار محدودیت‌های اجراء و نمایش هستند.

لغو کنسرت‌های خوانندگان ایرانی چه سنتی و چه مدرن، سانسور فیلم‌ها و آثار ادبی، هنری و ... توان رقابت فرهنگ و هنر ایرانی را با فرهنگ خارجی سست کرده است. از بین رفتن مرزهای هویتی و ملی داخلی با فرهنگ جهانی و از سوی دیگر شکاف میان نگرش و سلیقه فرهنگ رسمی با فرهنگ عملی و میدانی سبب شده است تا فرهنگ جهانی دست بالاتری در نفوذ فرهنگی داشته باشد و نهادهای فرهنگی برخوردار از بودجه دولت، تنها و بیشتر ناظر تحولات واقعی جامعه باشند یا گاهی به شکلی مبتذل‌تر و بی‌محتواتر اسیر و مرعوب قالب فرهنگ و هنری غیرایرانی شوند و به تقلید بی‌ثمر و مضحک دست یازند.

## توصیف وضع موجود

### بررسی منابع مالی و بودجه نهادهای فرهنگی

مقایسه آمار مربوط به اعتبارات بخش فرهنگ و هنر قبل و بعد از انقلاب اسلامی نشان می‌دهد تا دهه ۷۰، که کشور در وضعیت خاص ناشی از جنگ قرار داشت، اعتبارات این بخش نسبت به قبل کاهش چشم‌گیری داشته است؛ اما در این دهه، به‌خصوص در سال ۱۳۷۵ اعتبارات بخش فرهنگ افزایش درخور توجهی یافت و به حدود دو درصد از مجموع اعتبارات کل کشور رسید.

### جدول ۳. سهم برخی نهادهای فرهنگی در بودجه سال ۹۵

سهم چند وزارتخانه و تعدادی از نهادهای آموزشی و فرهنگی از بودجه در لایحه ۹۵ (مبالغ به میلیون ریال)	میزان سهم	نام نهاد	میزان سهم
سازمان تبلیغات اسلامی	۳۱۴۰۵۲۲	موزه امام صادق	۲۲۵۵۰
دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم	۹۶۰۷۴۰	موزه آموزش عالی اخلاق و تربیت	۱۱۵۵۰
شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی	۳۶۱۶۴۱	موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلامی	۱۱۵۵۰
موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی	۲۱۰۰۰۰	موسسه آینده روشن (مهدویت)	۶۹۲۰
بنیاد دخیل خراسانی	۶۹۳۰۰	دانشگاه معارف قرآن و عترت اصفهان	۳۴۶۵
سازمان مدارس معارف اسلامی	۲۸۸۷۵	سازمان‌های دانش‌آموزی	۸۸۰۰۰
موسسه تسنیم نور	۱۷۳۳۵	اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان	۱۶۵۰۰۰
پژوهشکده باقرالعلوم	۱۱۵۵۰	بسیج دانش‌آموزی	۱۱۰۰۰۰
موسسه فرهنگی بصیرت	۳۴۶۵۰	هیأت رزمندگان اسلام	۱۱۵۵۰
موسسه تبیان	۱۱۵۵۰	دانشگاه امام صادق	۵۶۵۹۵
ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر	۲۲۰۰۰۰	دانشگاه ادیان مذاهب	۴۰۴۲۵
موسسه علمی، فرهنگی دارالحدیث	۳۴۶۵۰	موسسه غیرانتفاعی دانشگاه مفید	۵۰۸۷۵
دانشگاه باقرالعلوم	۱۱۵۵۰	دانشگاه غیردولتی غیرانتفاعی عدالت	۴۲۵۷۰
پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی	۱۱۵۵۰	دانشگاه شهید مطهری	۶۸۷۵۰
حمایت از فیلهای فاخر دینی	۵۷۷۵۰	ترجمان وحی	۸۰۸۵
جشنواره عمار	۲۲۰۰۰	موسسه پرتو نقاب	۱۱۰۰۰
بنیاد فرهنگی مهدی موعود	۱۱۵۵۰	اعتبارات موضوع اجرای منشور توسعه فرهنگ قرآنی	۲۰۰۰۰۰۰
کمک به مرکز تربیت مدارس دینی مناطق محروم و خواربار	۱۹۲۵۰	فرهنگستان زبان و ادب فارسی	۱۴۷۵۹۶
مجمع عالی حکمت اسلامی	۱۶۵۰۰	سازمان صدا و سیما	۱۳۳۵۸۰۰۰
بنیاد حکمت اسلامی صدرا	۲۳۱۰۰	وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	۱۰۱۲۵۹۲۷
موسسه اسراء	۱۱۲۷۵۰	وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	۱۳۱۵۱۸۴۹
بنیاد بین‌المللی غدیر	۱۱۵۵۰	وزارت آموزش و پرورش	۲۸۹۰۹۰۰۱

### جدول ۴. بودجه نهادهای فرهنگی در سال ۹۶

ردیف	نهادهای و دستگاه‌های فرهنگی و هنری	میزان بودجه در لایحه بودجه ۹۶
۱	وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	هزار و ۱۸۰ میلیارد تومان
۲	مؤسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات	۷ میلیارد و ۱۸۰ میلیون تومان
۳	حمایت از نشر و کتاب و مطبوعات	۲۱۴ میلیارد تومان
۴	سازمان سینمایی	۲۰۱ میلیارد تومان

تعریف و طبقه‌بندی نهادهای فرهنگی | ۲۳

ردیف	نهادهای و دستگاه‌های فرهنگی و هنری	میزان بودجه در لایحه بودجه ۹۶
۵	بنیاد بین‌المللی فرهنگی هنری امام‌رضا(ع)	۸ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان
۶	سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی	۲۸۵ میلیارد تومان
۷	مجمع جهانی تقریب مذاهب	۳۲ میلیارد تومان
۸	مجمع جهانی اهل بیت	۴۱ میلیارد تومان
۹	بنیاد سعدی	۱۰ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان
۱۰	سازمان تبلیغات اسلامی	۳۷۷ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان
۱۱	حوزه هنری	۷۱ میلیارد و ۷۳۸ میلیون
۱۲	مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب	۱۷ میلیارد و ۹۵۰ میلیون
۱۳	بنیاد دایره المعارف اسلامی	۸ میلیارد و ۸۰ میلیون تومان
۱۴	پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی	۱۱ میلیارد و ۶۰۰ میلیون
۱۵	مرکز رسیدگی به امور مساجد	۳۵ میلیارد تومان
۱۶	ستاد اقامه نماز	۱۷ میلیارد تومان
۱۷	سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران	۱۵۹۸ میلیارد و ۶۵۰ میلیون تومان
۱۸	شرکت سهامی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان	۱۳۷ میلیارد و ۴۹۳ میلیون
۱۹	کتابخانه ملی	۱۱۴ میلیارد و ۸۶۹ میلیون تومان
۲۰	کتابخانه مجلس	۱۹ میلیارد و ۵۸۶ میلیون تومان
۲۱	دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی	۵۶ میلیارد و ۷۱۵ میلیون تومان
۲۲	سازمان مطالعات و تدوین کتب علوم انسانی	۲۴ میلیارد و ۴۷۱ میلیون تومان
۲۳	پژوهشکده فرهنگ و هنر و معماری	۵۰۶ میلیون تومان
۲۴	دفتر تبلیغات اسلامی قم	۱۱۱ میلیارد و ۹۰۰ میلیون تومان
۲۵	مؤسسه نشر آثار امام (ره)	۷۶ میلیارد و ۹۰۰ میلیون
۲۶	پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب	۹ میلیارد و ۴۴۰ میلیون تومان
۲۷	مرکز خدمات حوزه علمیه	۷۰۸ میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان
۲۸	کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی	۶ میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان

ردیف	نهادهای و دستگاههای فرهنگی و هنری	میزان بودجه در لایحه بودجه ۹۶
۲۹	مؤسسه آموزشی امام خمینی (ره)	۲۳ میلیارد تومان
۳۰	جامع المصطفی العالمیه	۲۶۷ میلیارد و ۶۷۳ میلیون
۳۱	نهاد کتابخانهها	۱۴۲ میلیارد تومان

بر اساس لایحه بودجه سال ۹۶، کل بودجه فرهنگی کشور نسبت به بودجه عمومی حدود ۳ درصد و نسبت به بودجه کل کشور ۵ دهم درصد بوده است. در سال ۹۶ از کل اعتبارات امور فرهنگی، تربیت بدنی و گردشگری، ۲۱ درصد سهم فصل دین و مذهب، ۱۹ درصد سهم ورزش و تفریحات، ۲۳ درصد سهم فرهنگ و هنر، ۸ درصد سهم میراث فرهنگی، ۲۲ درصد سهم رسانه، ۴ درصد سهم گردشگری، ۲ درصد سهم صنایع دستی و ۲ درصد سهم تحقیق و توسعه است. اعتبار فرهنگی کشور در سال ۹۶، ۹ هزار و ۱۰۰ میلیارد تومان بوده است که از این میزان تنها ۱۵ درصد اعتبار در اختیار فرهنگ و ارشاد است و ۸۵ درصد این اعتبارات در اختیار سایر دستگاهها و نهادهاست که وظیفه دارند از کارهای فرهنگی حمایت کنند.

در لایحه بودجه ۹۶ نسبت به بودجه ۹۵، سهم بودجه امور فرهنگی، تربیت بدنی و گردشگری نسبت به کل اعتبارات بودجه در بخش های ملی، استانی، هزینه ای و سرمایه ای تغییر چندانی نداشته است، سهم کل اعتبارات امور فرهنگی، تربیت بدنی و گردشگری از کل اعتبارات بودجه ۹۵، حدود ۲,۵ درصد بوده، در حالی که این سهم در سال ۹۶ در حدود ۲,۶ درصد است. سهم اعتبارات ملی امور فرهنگی، تربیت بدنی و گردشگری از کل اعتبارات ملی بودجه ۹۵ و ۹۶، حدود ۲,۱ درصد، سهم اعتبارات استانی امور فرهنگی، تربیت بدنی و گردشگری از کل اعتبارات استانی بودجه ۹۵ حدود ۱۲,۴ درصد، سهم اعتبارات هزینه ای امور فرهنگی، تربیت بدنی و گردشگری از کل اعتبارات هزینه ای بودجه ۹۵ و ۹۶، نیز ۲,۱ درصد و سهم اعتبارات سرمایه ای امور فرهنگی، تربیت بدنی و گردشگری از کل اعتبارات سرمایه ای بودجه ۹۵، حدود ۴,۹ درصد بوده، در حالی که این سهم در سال ۹۶ حدود ۵ درصد افزایش داشته است.

براساس این لایحه، بودجه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای سال ۹۶، ۱۱ هزار و ۸۰۱ میلیارد و ۳۴۸ میلیون ریال پیشنهاد شده است که در مقایسه با بودجه پیشنهادی سال ۹۵، یعنی ۱۰ هزار و ۱۲۵ میلیارد و ۳۹۷ میلیون ریال، ۱۶٫۵ درصد افزایش را نشان می‌دهد (طباطبایی مزدآبادی، ۱۳۹۵).

براساس مفاد این نمودار، تنها سه نهاد حاکمیتی (صداوسیما، سازمان تبلیغات و شورای عالی انقلاب فرهنگی) با رقم ۲۰۳۱ میلیارد تومان نسبت به چهار نهاد دولتی (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان فرهنگ و ارتباطات، نهاد کتابخانه‌های عمومی و کتابخانه ملی) با رقم ۱۷۲۱ میلیارد تومان، بیش از ۵۴٪ بودجه فرهنگی را در اختیار دارند که هیچ‌گونه مسئولیتی در قبال تحولات فرهنگی ندارند. همچنین مطابق این لایحه؛

– بودجه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری برای سال ۹۶، ۷ هزار و ۸۱۲ میلیارد و ۶۶۱ میلیون ریال پیشنهاد شده است که در مقایسه با بودجه پیشنهادی سال ۹۵، یعنی ۶ هزار و ۹۸۷ میلیارد و ۷۰۴ میلیون ریال، ۱۱٫۰۸ درصد افزایش را نشان می‌دهد.

– بودجه سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران برای سال ۹۶، ۱۵ هزار و ۹۸۶ میلیارد و ۵۰۰ میلیون ریال پیشنهاد شده است که در مقایسه با بودجه پیشنهادی سال ۹۵، یعنی ۱۳ هزار و ۳۵۸ میلیارد ریال، ۱۹٫۶۷ درصد افزایش را نشان می‌دهد.

– بودجه سازمان تبلیغات اسلامی برای سال ۹۶، ۳ هزار و ۷۷۵ میلیارد و ۵۲۷ میلیون ریال پیشنهاد شده است که در مقایسه با بودجه پیشنهادی سال ۹۵، یعنی ۳ هزار و ۱۴۰ میلیارد و ۵۲۲ میلیون ریال، ۲۰٫۲۱ درصد افزایش را نشان می‌دهد.

– بودجه بنیاد سعدی که کارش گسترش زبان فارسی در جهان است، برای سال ۹۶، ۱۰۶ میلیارد ریال پیشنهاد شده است که در مقایسه با بودجه پیشنهادی سال ۹۵، یعنی ۷۱ میلیارد ریال، ۴۹٫۲۹ درصد افزایش را نشان می‌دهد.

– بودجه سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی برای سال ۹۶، ۲ هزار و ۸۵۱ میلیارد و ۷۴۳ میلیون ریال پیشنهاد شده است که در مقایسه با بودجه پیشنهادی سال ۹۵، یعنی

## ۲۶ گزارش پیش بررسی کارکرد نهادهای فرهنگی برخوردار از بودجه فرهنگی

۲ هزار و ۳۰۱ میلیارد و ۳۲۶ میلیون ریال، ۲۳،۹۱ درصد افزایش را نشان می‌دهد. کل بودجه و اعتبارات این نهادهای فرهنگی به‌طور میانگین ۱۸،۹۵ درصد رشد داشته و نهاد اصلی فرهنگی، یعنی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، یک‌سوم این رقم میانگین افزایش داشته است؛ درحالی‌که نهادهایی مانند صداوسیما و سازمان تبلیغات اسلامی بیش از رقم میانگین رشد داشته‌اند.

جدول ۵. درصد رشد بودجه نهادهای فرهنگی در سال ۹۶ نسبت به سال ۹۵

درصد رشد در سال ۹۶ به ۹۵	نهاد فرهنگی	
۱۱/۰۸	سازمان میراث فرهنگی	۱
۱۹/۶۷	صداوسیما	۲
۲۹/۶۰	خبرگزاری ایرنا	۳
۲۰/۲۱	سازمان تبلیغات اسلامی	۴
۲۲/۹۱	سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی	۵
۴۹/۲۹	بنیاد سعدی	۶
۲۱/۶۸	کتابخانه ملی ایران	۷
۴	کتابخانه‌های عمومی کشور	۸
۱۵/۸۶	فرهنگستان زبان و ادب فارسی	۹
۷/۷۳	فرهنگستان هنر	۱۰
۶/۴	وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	۱۱

در سال ۹۷ سهم اعتبارات فرهنگی از بودجه کل کشور ۶ دهم درصد شده است. اعتبارات هزینه‌ای سال ۹۷ نسبت به سال ۹۶، ۲۴ درصد افزایش داشته و میزان اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای ۶۱ درصد کاهش داشته که در مجموع ۹ درصد رشد در سال ۹۷ نسبت به سال ۹۶ مشاهده می‌شود.



جدول ۰۶. بودجه نهادهای فرهنگی در سال ۹۷

اعتبارات ایدئولوژیک	محل اعتبار	بودجه سالبانه (میلیارد تومان)
شورای عالی انقلاب فرهنگی	بودجه ملی	۸۵,۳۴۳
سازمان تبلیغات اسلامی	بودجه ملی	۱۷۰,۲۴۲
سازمان تبلیغات اسلامی	بودجه متفرقه	۱۰۱,۳۳۴
حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی	بودجه ملی	۸۴,۷۰۰
مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی	بودجه ملی	۱۶,۱۱۹
موسسه پژوهشی انقلاب اسلامی	بودجه ملی	۲۵,۰۳۰
شورای سیاستگذاری ائمه جمعه	بودجه ملی	۴۲,۴۰۰
ستاد اقامه نماز	بودجه ملی	۲۲,۸۰۰
مرکز رسیدگی به امور مساجد	بودجه ملی	۳۸,۵۰۰
بنیاد دارالمعارف اسلامی	بودجه ملی	۹,۱۷۳
موسسه دارالمعارف فقه اسلامی	بودجه ملی	۵,۳۸۴
مرکز الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت	بودجه ملی	۷,۹۲۶
پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی	بودجه ملی	۱۴,۰۸۴
کمک به موسسات دینی و فرهنگی	بودجه متفرقه (وزارت ارشاد)	۷۱,۰۵۱
کمک به موسسات دینی و فرهنگی	بودجه ملی (سازمان برنامه و بودجه)	۳۰,۰۰۰
سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی	بودجه ملی	۳۳۴,۸۸۳
سازمان اوقاف	بودجه ملی	۲۷,۸۲۰
موسسه نشر آثار آیت‌الله خمینی	بودجه ملی	۷۱,۳۴۲
کمک به آستان‌های تحت نظر رهبری	بودجه متفرقه	۳۸,۰۰۰
تامین هزینه‌های زائران عتبات عالیات	بودجه متفرقه	۱۷,۰۰۰
سرمايه‌گذاري طرح حرم‌های مطهر	بودجه متفرقه	۳,۰۰۰
اتحادیه رادیو و تلویزیون‌های اسلامی	بودجه متفرقه	۰,۳۰۰
تمهید امکانات راهبردی اربعین	بودجه متفرقه	۱۶,۰۰۰
توسعه خدمات زیارتی مشهد، قم و شیراز	بودجه متفرقه	۱۵,۰۰۰
ستاد راهیان نور	بودجه ملی	۲۲,۳۳۰
جمع		۱۵۲۰,۲۴۱

کل بودجه و اعتبارات این نهادهای فرهنگی به‌طور میانگین ۱۸,۹۵ درصد رشد داشته و نهاد اصلی فرهنگی، یعنی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، یک‌سوم این رقم میانگین، افزایش داشته است؛ درحالی‌که نهادهایی مانند صداوسیما و سازمان تبلیغات اسلامی بیش از رقم میانگین رشد داشته‌اند.

جدول ۰۷. میزان بودجه سال ۹۸ و درصد تغییرات نسبت به سال ۹۷  
تغییرات اعتبارات برخی دستگاه‌های حوزه دین و تبلیغ (منبع: مرکز پژوهش‌های مجلس)

درصد تغییر نسبت به بودجه ۹۷	میزان بودجه ۹۸ (میلیارد تومان)	نام دستگاه
- ۲۵/۵	۱۵۱/۵	سازمان تبلیغات اسلامی
- ۱۳/۹	۲۵	مؤسسه پژوهشی و فرهنگی انقلاب اسلامی
- ۷۸/۲	۲	بنیاد دایره‌المعارف اسلامی
- ۵۴/۸	۲۰	شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه
- ۴۷/۶	۱۲	ستاد اقامه نماز
- ۲۵/۶	۱۲	مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی
- ۱۹/۱	۶۸/۵	حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی
- ۲/۴	۳۰۵/۷	سازمان اوقاف و امور خیریه
۵/۳	۳۳۰	سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی
- ۳۱	۳۳	مجمع جهانی اهل بیت
۱۶	۶۹۶/۱	مرکز خدمات حوزه‌های علمیه
۱۶/۴	۳۴۵/۶	مرکز خدمات حوزه‌های علمیه (حق بیمه طلاب و روحانیون غیر شاغل)
- ۳۱/۹	۸۸/۱	نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها
۱۶/۴	۶/۲	سازمان حج و زیارت
- ۳۳/۹	۳۰۱/۷	جامعه المصطفی‌العالمیه
- ۳۱/۴	۳۰۶/۳	شورای عالی حوزه‌های علمیه
۱۱/۹	۱۵۰	دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
- ۵۰	۱۴	مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
۱/۶	۷۱/۴	بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس
- ۳۷/۵	۱۶۹/۷	شورای سیاست‌گذاری حوزه‌های علمیه خواران
- ۱۹/۱	۲۶/۲	مؤسسه نشر آثار حضرت امام (قدس سره)

نام دستگاه	میزان بودجه ۹۸ (میلیارد تومان)	درصد تغییر نسبت به بودجه ۹۷
شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی	۳۴/۱	- ۴۵/۷
شورای برنامه‌ریزی مدیریت حوزه‌های علمیه خراسان	۸۷/۲	- ۲۷/۱
ستاد احیای امر به معروف و نه از منکر	۱۵	- ۶۶/۷
پژوهشکده امام خمینی (ره) انقلاب اسلامی	۸/۵	- ۱۸/۹
آستان قدس حضرت امام خمینی (ره)	۲۴/۵	- ۱۴/۵
اعتبار متمرکز بر کمک به اشخاص حقوقی غیردولتی	۱۰۰	- ۲۱/۹

سیده فاطمه ذوالقدر، نماینده مردم تهران، ری و شمیرانات، در مورد وضعیت بودجه نهادهای فرهنگی در سال ۹۸ گفت: تاکنون فقط ۶۳ درصد از بودجه فرهنگی سال ۹۸ تخصیص یافته و مابقی آن تاکنون تحقق نیافته است. ذوالقدر با بیان اینکه بودجه در نظر گرفته شده برای سال ۹۹ معادل ۴۲۰ هزار میلیارد تومان است، افزود: در بودجه سال ۹۸ به میزان هفت هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان اعتبار برای بخش فرهنگ در نظر گرفته شد که این میزان اعتبار در بودجه سال ۹۹ به شش هزار و ۱۲۰ میلیارد تومان کاهش یافته است. وی افزود: سهم بخش فرهنگ در بودجه سال ۹۹ نسبت به سال ۹۸، ۱۵ درصد کاهش یافته که با این وضعیت نهادهای فرهنگی حتی در پرداخت حقوق و مزایای کارکنان خود هم به مشکل برمی‌خورند. (خبرگزاری خانه ملت، ۹۸/۹/۵)

جدول ۸. میزان بودجه فرهنگی سال ۹۹

نام نهاد یا موسسه	میزان بودجه دریافتی
سازمان بسیج	۹۲۴ میلیارد تومان
مرکز خدمات حوزه علمیه قم	۸۰۰ میلیارد تومان
شورای عالی حوزه‌های علمیه	۳۴۵ میلیارد تومان
جامعه المصطفی	۳۰۹ میلیارد تومان
سازمان تبلیغات اسلامی	۲۰۱ میلیارد تومان

میزان بودجه دریافتی	نام نهاد یا موسسه
۱۹۲ میلیارد تومان	شورای سیاستگذاری حوزه‌های علمیه خواهران
۸۵ میلیارد تومان	شورای برنامه‌ریزی و مدیریت حوزه‌های علمیه خراسان
۱۵۰ میلیارد تومان	دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
۸۲ میلیارد تومان	برنامه حمایت از فعالیت‌های فرهنگی مساجد
۵۲ میلیارد تومان	برنامه حمایت و راهبری تبلیغ و ترویج قرآن
۳۲ میلیارد تومان	مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی
۳۲ میلیارد تومان	ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر
۳۰ میلیارد تومان	شورای سیاستگذاری ائمه جمعه
۲۷ میلیارد تومان	مؤسسه نشر آثار امام خمینی
۲۰ میلیارد تومان	مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
۱۶ میلیارد تومان	ستاد اقامه نماز
۱۶ میلیارد تومان	آستان مقدس امام خمینی

## تحلیل وضعیت بودجه فرهنگی

بررسی بودجه نشان می‌دهد در اوایل دهه گذشته اعتبارات بخش فرهنگ، رقمی حدود ۳,۵ درصد کل اعتبارات کشور را به خود اختصاص داده که این رقم در سال‌های اخیر کمتر شده است. این رقم در مقایسه با سال‌های قبل نشانگر رشد اعتبارات بخش فرهنگ است؛ اما واقعیت این است که اعتبارات این بخش در مقایسه با اعتبارات سایر بخش‌ها رشد چندانی نداشته است. این درحالی است که در حدود ۳۵ دستگاه به‌طور مستقیم از اعتبارات این بخش استفاده می‌کنند، درحالی که برخی از آنها در عمل فعالیت فرهنگی، به معنایی که از آن انتظار می‌رود، ندارند و بیشتر مشغول فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی از جنس فعالیت دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی هستند. از این رو، محاسبه بودجه این دستگاه‌ها در ردیف بودجه دستگاه‌های فرهنگی، مقدار اعتبارات این بخش را در ظاهر افزایش داده است و رقمی غیرواقعی را نشان می‌دهد.

تعداد زیادی از دستگاه‌های فرهنگی دارای ردیف بودجه مستقل هستند؛ درحالی که از نظر سازمانی به دستگاه دیگری وابسته‌اند. مانند مجمع جهانی

تقریب مذاهب اسلامی و مجمع جهانی اهل بیت که زیرمجموعه سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی هستند یا حوزه هنری که وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی است. اختصاص ردیف بودجه مستقل به این دستگاه‌ها از وابستگی و پاسخ‌گویی آن‌ها به دستگاه متبوع می‌کاهد و به همین خاطر، امکان نظارت بر عملکرد این دستگاه‌ها عملاً تضعیف می‌شود. ضمن اینکه باید به این واقعیت توجه داشت که در کشور هنوز نهادها و سازمان‌های نظارتی فعال و قدرتمندی وجود ندارند تا بتوانند بر عملکرد این دستگاه‌های تازه استقلال‌یافته، نظارت کافی اعمال کنند. در لایحه بودجه سال ۱۳۸۶، تعدادی از دستگاه‌ها مانند مرکز خدمات حوزه‌های علمیه خواهران و دانشگاه مذاهب اسلامی از ردیف‌های اعتباری حذف شدند و در کنار آن، شورای عالی حوزه علمیه قم به ردیف‌های اعتباری ذیل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی افزوده شد. این حذف و اضافه ردیف، به معنی تلاش در جهت سامان‌دهی تشکیلاتی و اداری مراکز وابسته به حوزه‌های علمیه، یکی از قوت‌های لایحه سال ۱۳۸۶ بوده است، اما درعین حال، در همین لایحه نیز دستگاه‌های متعددی مرتبط با حوزه علمیه قم بودند که از اعتبارات دولتی استفاده می‌کردند مانند: مرکز خدمات حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم و مرکز جهانی علوم اسلامی.

افزایش اعتبارات دولتی بخش فرهنگ به خودی خود موضوعی ارزشمند و شاخصی مطلوب برای این بخش محسوب نمی‌شود؛ بلکه حتی می‌تواند نشانه دولتی‌شدن فعالیت‌های فرهنگی و حاکمیت کامل دولت بر این بخش باشد. افزایش روزافزون دستگاه‌های فرهنگی و وابستگی شدید آن‌ها به اعتبارات دولتی عرصه را بر فعالیت‌ها و مشارکت‌های بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری این بخش تنگ می‌کند و از انگیزه رقابت در این بخش می‌کاهد.

بودجه عمومی کشور شامل امور ده‌گانه است، مانند امور معیشت، رفاه، محیط‌زیست، سلامت، دفاعی و امنیتی و فرهنگی که امور فرهنگی خود اعم از فرهنگ دینی، گردشگری، تربیت بدنی و ورزش، سینما، تئاتر، موسیقی و همه اینهاست که نسبت به بودجه کل کشور و امور ده‌گانه نسبت بسیار کمی دارد.

به نظر می‌رسد اعتبارات بخش فرهنگ در بودجه سالیانه کشور، براساس موضوع‌ها و مقوله‌های فرهنگی تخصیص داده نشده و سهم تقریبی هرکدام از مقوله‌های بودجه فرهنگی کشور مشخص نشده است. توجه به این موضوع از آن جهت اهمیت دارد که به دلیل وابستگی شدید فعالیت‌های فرهنگی به اعتبارات دولتی، ممکن است تخصیص نیافتن بودجه مناسب به کاهش برخی فعالیت‌های فرهنگی منجر شود.

بودجه فرهنگی کشور در سال ۹۷ نسبت به سال ۹۶ در بخش‌های مختلف کاهش داشته؛ اما در بعضی بخش‌ها افزایش نیز داشته است. یکی از گام‌های مثبت سال‌های اخیر در مجلس این بود که کل بودجه را بین سازمان‌های رسمی پاسخ‌گو تعریف کردند. بعضی از نهادهای فرهنگی زیر نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بعضی نیز ذیل سازمان تبلیغات اسلامی و دفتر تبلیغات اسلامی و مواردی از این قبیل برده شد.

احسان خاندوزی عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی در مورد وضعیت بودجه فرهنگی ۹۹ و نسبت آن به کل بودجه گفت: در بودجه سال آینده و حتی امسال و سال‌های گذشته، به روایت اعداد و آمار، سهم بودجه فرهنگ به اندازه اهمیت آن، عدد ناچیزی است. به عبارت دیگر اگر فقط بودجه عمومی دولت را بدون در نظر گرفتن بودجه شرکت‌های دولتی در نظر بگیریم، از مجموع بودجه عمومی دولت، حدود دو درصد آن به امور فرهنگ، تربیت بدنی و گردشگری اختصاص پیدا می‌کند، که در ذیل آن ده فصل وجود دارد؛ در سال ۹۹ چیزی حدود ۹/۵ هزار میلیارد تومان، سهم بودجه‌ای است که دولت برای بخش فرهنگ، تربیت بدنی و گردشگری اختصاص داده است. البته این عدد به صورت مستقیم به این بخش اختصاص داده شده است و در بخش‌های دیگر بودجه، به صورت غیرمستقیم، عدد و ارقامی برای بخش فرهنگ دیده شده است. قرار است این ۹/۵ هزار میلیارد تومان در بخش‌های فرهنگ و هنر، دین و مذهب، تحقیق و توسعه امور فرهنگی، گردشگری، میراث فرهنگی، رسانه، ورزش، صنایع دستی و ... دیده شود. از بین این ده بخش، ۲۰ درصد به دین و مذهب، ۲۲ درصد برای حوزه فرهنگ و هنر و

مابقی بودجه به سایر فصل‌ها اختصاص دارد. یعنی بخش «دین و مذهب» ۲۰ درصد از دو درصد کل بودجه عمومی کشور. (رجاءنیوز، ۸۹/۹/۲)

به گزارش روابط عمومی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات آموزش و فرهنگ این مرکز در گزارشی با عنوان «بررسی لایحه بودجه سال ۱۳۹۹ کل کشور ۴۱. نهادهای دینی و تبلیغی و بخش فرهنگ و هنر» آورده است: سهم اعتبارات فصل دین و مذهب (۱۸۸۵ میلیارد تومان) از کل اعتبارات امور فرهنگ، تربیت بدنی و گردشگری (۹۵۶۴ میلیارد تومان) حدود ۲۰ درصد و سهم اعتبارات فصل فرهنگ و هنر (۲۱۴۵ میلیارد تومان) حدود ۲۲ درصد است که مجموعاً حدود ۴۲ درصد از کل اعتبارات این امور را به خود اختصاص داده‌اند. سهم فصل دین و مذهب از امور مزبور نسبت به قانون بودجه ۱۳۹۸ یک درصد رشد داشته و در مقابل سهم فصل فرهنگ و هنر، یک درصد کاهش داشته است.

بر اساس این گزارش در بررسی میزان تطابق مواد قانون برنامه ششم توسعه با لایحه بودجه سال ۱۳۹۹ می‌توان نتیجه گرفت که دولت برای احکام مندرج در مواد (۹۲)، (۹۵) و (۹۷) اگرچه اعتباراتی را پیش‌بینی کرده و تا حدی همسویی کلی میان لایحه بودجه با قانون مذکور تأیید می‌شود، با این حال در بردارنده تحول مورد انتظار قانون نیست.

بر اساس مطالعات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، اعتبارات دستگاه‌های دینی و تبلیغی، با کاهش جدی مواجه بوده‌اند. بیش از ۳۰ دستگاه فعال در حوزه دین و تبلیغ در لایحه بودجه سال ۱۳۹۹، عموماً با کاهش در سرجمع اعتباراتشان روبه‌رو هستند. نکته قابل تأمل اینکه این کاهش، عموماً مربوط به اعتبارات هزینه‌ای دستگاه‌های مزبور است. (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۹۸/۱۰/۷)

سیر کاهش بودجه فرهنگی اقتضا می‌کند که برای صرفه‌جویی و هدفمندکردن و رعایت اصل هزینه/فایده، همین بودجه اندک هم اقدامی جدی صورت گیرد. این در حالی است که بسیاری از تحلیلگران بر این باورند که هرچه سیطره مؤسسات

فرهنگی در کشور بیشتر می‌شود، به این مفهوم است که موازی‌کاری‌ها بیشتر شده است. به‌باور آنان، طی سال‌های گذشته تاکنون رابطه معنی‌داری میان توسعه مؤسسات فرهنگی و افزایش آمار بیکاری در میان قشر تحصیلکرده به‌وجود آمده است که از هدررفت بودجه کشور حکایت دارد. با وجود این، باز هم شاهدیم که این مؤسسات هر سال بیشتر از سال گذشته، بودجه کشور را دریافت می‌کنند.

واقعیت این است که ناکارآمدی بخش‌هایی از عوامل اجرایی و نهادهایی از دولت، پاسخ‌گو نبودن نهادهایی از نظام، فقدان نظارت کافی و پی‌گیری لازم از سوی مجلس برای کارآمدی بهتر نهادهای فرهنگی، رفتار عمومی مسئولان و نبود ارتباط کافی با بدنه و بخش‌های مختلف مردم باعث ایجاد نارضایتی‌هایی در سطح جامعه شده است (ابراهیمی، ۱۳۹۷).

### بررسی‌های موردی وضع موجود نهادهای فرهنگی

در اینجا به‌عنوان نمونه، به کمک تحقیقات در دسترس، دو سازمان بزرگ فرهنگی ارزیابی می‌شود که بخش زیادی از بودجه فرهنگی را به خود اختصاص می‌دهند. این دو نهاد فرهنگی مهم می‌تواند به‌عنوان نمادین، وضعیت سایر نهادهای حاکمیتی را نشان دهد.

#### سازمان تبلیغات اسلامی

سازمان تبلیغات اسلامی از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین نهادهای فرهنگی پس از انقلاب اسلامی است که فراز و فرودهای بسیاری را تاکنون سپری کرده است و با ده‌ها نهاد زیرمجموعه خود، بخش زیادی از بودجه فرهنگی را در اختیار دارد که نتایج عملکرد آن به‌دلیل فقدان شفافیت در اعلام کمی و کیفی آن، مبهم است. بنابر تحقیقی از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، نتایج زیر به‌دست آمده است که با توجه به نهاد ارزیابی‌کننده مهم است. در این تحقیق آمده است:

گزارش ارسالی سازمان تبلیغات از سوی هیئت نظارت و ارزیابی فرهنگی و علمی بررسی و ارزیابی گردید. برخی از نتایج این ارزیابی که جنبه ارزیابی انتقادی دارد به شرح زیر است:



– فعالیت‌های گسترده سازمان در ۳ معاونت و ۹ دفتر و نهاد وابسته و همچنین نوآوری‌هایی مانند تأسیس مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان، خبرگزاری مهر، دبیرستان معارف اسلامی، امکانات نرم‌افزاری مساجد، مجتمع‌های فرهنگی و رفاهی و نظایر آن‌ها متنوع و عموماً مثبت ارزیابی می‌شود.

– مستندات ارائه‌شده از سوی سازمان فاقد ارزیابی‌های درونی است. به‌نظر می‌رسد سازمان نسبت به ارزیابی اثربخشی فعالیت‌های خود در میان مخاطبان توجه شایسته نشان نمی‌دهد. عنایت سازمان به ایجاد سازوکار مناسب برای ارزیابی درونی، امکان ارزیابی جامع بیرونی و میزان اثربخشی در تحقق اهداف و سیاست‌های فرهنگی را تسهیل خواهد کرد.

– گستردگی بیش از اندازه مأموریت‌ها و وظایف سازمان، کمبود نیروی انسانی متخصص، تداخل وظایف با سازمان‌های دیگر، درگیر شدن بیش از حد در اجرا و نیاز به توجه بیشتر به امر آموزش و پژوهش از اهم چالش‌های سازمان است.

– سازمان تبلیغات اسلامی به‌لحاظ رویکرد جذب مخاطبان باید یک سازمان عمومی باشد. درحالی‌که فعالیت‌های آن بیشتر متوجه مخاطبان و گروه‌های خاص و فعال در امور مذهبی بوده است، درعین حال توجه ویژه سازمان به راه‌اندازی نشست‌ها و گفت‌وگو با جوانان و دیگر اقشار جامعه قابل تقدیر می‌باشد.

– حوزه هنری سازمان، با وجود تلاش‌های ارزشمند استادان و مربیان هنوز شرایط مطلوبی را از منظر تربیت هنرمندان متعهد و دارای حس دینی نشان نمی‌دهد؛ رویکردهای جدید حوزه هنری به کیفیت آموزشی، نخبه‌گزینی و راه‌اندازی مراکزی برای ارتباط با هنرمندان شهرستانی و ایجاد محیط‌های اسلامی – هنری مثبت ارزیابی می‌شود. همچنین اقدامات حوزه در کاهش و تعطیلی فعالیت‌های غیرمفید قابل تقدیر می‌باشد.

– مؤسسه تبیان از جمله نهادهای ارزشمند وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی است که با کادر کارآمد و به‌صورت روزآمد اداره می‌شود و در مدت کوتاه منشأ خدمات مفیدی بوده است. اما تولید و ارائه کالاها و خدمات فرهنگی و نرم‌افزارهای غیرضرور و غیرمرتبط با حوزه دین تا حدودی رسالت اصلی این مؤسسه را تحت‌الشعاع قرار

می‌دهد و مفید به‌نظر نمی‌رسد (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۷).

در تحقیق دیگری به کوشش سید مهدی خاموشی و ابوالفضل نظری با عنوان «ارزیابی تصمیمات استراتژیک فرهنگی براساس ارزش‌های اسلامی؛ مورد مطالعه، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی» (۱۳۸۷) برخی از موضوع‌ها و پرسش‌هایی که از نظر محققان با نظرسنجی از کارشناسان و اساتید رد شده‌اند، عبارت‌اند از:

- افزایش تعداد هنرمندان مرتبط با حوزه هنری؛
  - شناخت انحراف‌های هنر قبل از انقلاب؛
  - ترغیب مردم به حضور در صحنه‌های دفاع مقدس؛
  - نگهداری هنرمندان در حوزه از طریق پاسخ به نیازهای مادی؛
  - ارائه تعریفی جدید از هنر دینی برای جذب مخاطب؛
  - توجه به تولید مصرف‌گرا و مخاطب‌پسند؛
  - ایجاد بازارهای فروش برای محصولات حوزه هنری در سراسر کشور؛
  - تکیه بر درآمدزایی از طریق هنر و فعالیت‌های فرهنگی.
- این موارد از همان گسست میان نهادهای فرهنگی و فعالیت آن‌ها با نیازها و ذائقه مخاطبان حکایت دارد.

در تحقیقی دیگر در کتاب *ابتکار عمل در برنامه‌ریزی و ارزیابی عملکرد فرهنگی* به اهتمام علی‌اکبر رضایی و محمدعلی زهره‌ای (۱۳۹۰) درمورد مهم‌ترین معضل این نهاد خاطر نشان می‌کند:

«باگفت‌وگویی که با برخی مسئولان و متولیان فرهنگی در کشور انجام شده، به نظر می‌رسد که عمده نقاط ضعف و مشکلات فعلی سازمان‌های فرهنگی، دخالت بیش از حد نهاد سیاست در امور فرهنگ است. در حوزه هنری نیز این مشکل وجود دارد و مصادیق آن متعدد است. به‌عنوان مثال، در دوره‌های مدیریت حوزه، موارد متعددی پیش آمده که بنابر ملاحظات سیاسی، حمایت از گروه یا فرد خاصی به‌عمل آمده و از بالا درخصوص آن فرد به مدیر حوزه توصیه می‌شود و این برای بخش فرهنگ بسیار خطرناک است» (رضایی و زهره‌ای، ۱۳۹۰: ۱۷۰).

### صداوسیما

درمورد عملکرد صداوسیما، تاکنون بررسی‌های غیرمستقیم و بیشتر به‌روشنظرسنجی صورت گرفته است. باینکه صداوسیما هنوز از رسانه‌های پرمخاطب است؛ در تحقیقات انجام‌شده، یافته‌ها نشان می‌دهد که فیلم و سریال با ۸۰/۴ درصد، برنامه‌های ورزشی با ۳۴/۵ درصد، اخبار و گزارش‌های خبری با ۲۴/۳ درصد، طنز با ۲۱/۹ درصد و برنامه‌های خانواده با ۱۸/۳ درصد بیشترین مخاطبان شهروندان تهرانی را در میان برنامه‌های تلویزیونی به خود اختصاص داده‌اند (غفوری، ۱۳۸۹: ۶۲؛ به‌نقل از کوثری، ۱۳۹۵: ۶۱۸). این آمارها نشان می‌دهد کارکرد صداوسیما بیشتر به تعاریف متعارف فرهنگ، یعنی اوقات فراغت و سرگرمی نزدیک است تا نهاد ایدئولوژیک و رسالت‌محور.

در تحقیق دیگری، یافته‌های تحقیق قبلی تأیید می‌شود. در این تحقیق با عنوان «ارزیابی عملکرد برنامه‌های شبکه سه از دیدگاه صاحب‌نظران رسانه و جوانان» به کوشش ابراهیم عباسی و جواد کاشانی‌اسدی که در سال ۸۹ منتشر شد، درمورد نتایج یافته‌های پژوهش آمده است:

● ۷۲ درصد صاحب‌نظران و ۶۱ درصد جوانان بیننده فعالیت‌های ورزشی هستند؛  
● ۳۲ درصد صاحب‌نظران و ۲۹ درصد جوانان بیننده برنامه‌های ورزشی و اجتماعی هستند؛

● ۲۷ درصد صاحب‌نظران و ۲۶ درصد جوانان بیننده برنامه‌های ورزشی، اجتماعی و فیلم و سریال هستند؛

● ۲۰ درصد صاحب‌نظران و ۲۰ درصد جوانان بیننده برنامه‌های ورزشی، اجتماعی، فرهنگی، معارفی و فیلم و سریال هستند.

درواقع، نتایج این تحقیقات اثبات می‌کند که تأثیر و کارکرد فرهنگی صداوسیما، به‌رغم برخورداری از بیشترین بودجه رسمی و غیررسمی کشور، به نهادهای فرهنگی متعارف جهانی‌ای نزدیک‌تر است که هیچ رسالت فرهنگی برای خود قائل نیستند.



## آسیب‌شناسی کارکرد نهادهای فرهنگی

تنوع نهادها و سازمان‌های فرهنگی پس از انقلاب اسلامی و تأسیس نظام جمهوری اسلامی در جریان‌های فرهنگی پیش از انقلاب اسلامی ریشه دارد که مؤید آن بود. به عبارت دیگر، جریان فرهنگی پیش از انقلاب اسلامی خود را در دوره پساانقلاب بازسازی کرده است. خاستگاه انقلاب مساجد، حوزه‌های علمیه، کانون‌های فرهنگی دینی و جنبش فرهنگی دانشجویی و دانشگاهی بوده است. به عنوان مثال؛ نقش حسینیه ارشاد به عنوان کانون فعالیت فکری و فرهنگی، بعدها خود را در فعالیت‌های مشابه فرهنگی و دینی در سطح محله‌ها و شهرها و سطح خردتر مساجد و کانون‌ها بسط داد و متکثر شد. ماهیت دینی و فرهنگی انقلاب اسلامی در قالب نهادها و تشکلهای فرهنگی و دینی رسمی، دولتی، حاکمیتی و غیردولتی گسترش یافته است. به دلیل همین پیشینه فرهنگی/دینی نیرومند، مردمی و نهادین، تشکلهای سیاسی نسبت به

تشکل‌های فرهنگی چندان بسط نیافتند و توفیقی به‌دست نیاوردند. به‌عنوان مثالی برجسته؛ تأسیس حزب جمهوری اسلامی نتوانست چندان دوام یابد که تشکل‌ها و انجمن‌های فرهنگی اسلامی خودجوش و طبیعی در حوزه سینما، تئاتر، نشر و موسیقی در ایران استمرار یافتند.

جوهره فرهنگی و دینی انقلاب اسلامی و نظام برخاسته از آن به‌طور طبیعی در این نهادها ظهور یافت که می‌توانست و می‌تواند سویه‌های مثبت، سازنده و پرنشاطی داشته باشد. اما عوامل متعددی از جمله وابستگی بخش عمده آن‌ها به حاکمیت و بودجه دولت، این جریان فرهنگی و مردمی را به نهادهای رسمی مبدل کرد و انگیزه‌های خودجوش و سازنده آن‌ها در ارزش‌ها و نگرش‌های نظام دیوان‌سالار مستحیل شد و کارآمدی آن‌ها را تقلیل داد و مضمون قربانی شکل تشریفاتی آن شد.

در پژوهشی در زمینه عملکرد نهادهای فرهنگی و دینی (در سال ۱۳۸۳)، به کوشش شورای عالی انقلاب فرهنگی با عنوان «نوسازی و ارتقای اثربخشی نهادهای دینی و تبلیغات اسلامی» دیدگاه‌های ۶۵ نفر از صاحب‌نظران حوزوی و دانشگاهی که براساس سوابق کار، تألیف، تحقیق و سروکار داشتن با مسائل و آسیب‌های حوزه توسعه فرهنگ دینی انتخاب شده بودند، با روش پیمایشی (مصاحبه و پرسش‌نامه) جمع‌آوری و نتایج آن مورد تحلیل قرار گرفت. براساس نتایج این تحقیق، مهم‌ترین آسیب‌های توسعه فرهنگ دینی در بُعد دولت و حکومت در دو دهه گذشته به‌ترتیب اولویت عبارت‌اند از:

● دوگانگی عمل و گفتار برخی از مسئولان (فاصله بین گفتار و کردار آن‌ها و سخن‌گویی به‌جای عمل و سیاسی‌کاری به‌جای خلاقیت‌های مدیریتی)؛

● بازیچه‌شدن دین در دست برخی سیاست‌مداران برای منافع شخصی یا گروهی (جناحی)؛

● درگیری و اختلافات سیاسی (سرگرم شدن به درگیری‌های سیاسی و غفلت از مشکلات مردم)؛

● نداشتن تحمل سیاسی و روحیه انتقادی در حوزه فرهنگ و تبلیغات اسلامی؛

- بانددبازی و گزینش‌های رابطه‌ای در انتخاب مدیران و شیوع خویشاوندسالاری در مسئولیت‌های مهم و حساس دینی و تبلیغی؛
  - ارائه‌نکردن سیاست و راه‌کار مناسب برای تلفیق دین و دولت (فقدان تعامل مناسب دین و دولت)؛
  - دنیازدگی برخی مسئولان (تجمل‌گرایی، زراندوزی و پیدا کردن روحیه کاخ‌نشینی)؛
  - استفاده‌نکردن از نخبگان یا کناره‌گیری نخبگان به‌علت فضای مسموم سیاسی؛
  - دخالت مسئولان و سازمان‌های دینی و تبلیغی دولتی در امر تجارت، تولید و سوءاستفاده از مقام خود؛
  - تضعیف باورهای مردم در نتیجه مشاهده ناکارآمدی حاکمیت در تحقق شعارها و برنامه‌ها و به‌حساب دین گذاشتن ناپسامانی‌ها.
- نکات یادشده که محصول نگرش نخبگان جامعه است، بیانگر وضعیت نهادهای فرهنگی کشور است. از این منظر، نهادهای فرهنگی در شکل‌دادن و صورت‌بندی این فرهنگ نقش اساسی دارند که در این تحقیق، موارد زیر به‌عنوان جمع‌بندی ارائه شده است.
- مهم‌ترین آسیب‌های توسعه فرهنگی دینی در حوزه نهادهای دینی در دو دهه گذشته نیز به‌ترتیب اولویت عبارت‌اند از:
- سرگرم‌شدن به درگیری‌های سیاسی و غفلت از مردم؛
  - تداخل وظایف و فعالیت‌های موازی نهادهای دینی به‌علت نبود برنامه‌ریزی جامع درمورد تقسیم وظایف؛
  - گسترش سطحی‌نگری، جزم‌اندیشی و عوام‌زدگی در فعالیت نهادهای دینی؛
  - فقدان نظام برنامه‌ریزی صحیح فرهنگی برای نسل جوان به‌علت نبود مدیریت واحد فرهنگی.
- آسیب‌های فهرست‌شده در این تحقیق بسیار کلی هستند و تعدادی از آن‌ها مانند دنیازدگی مسئولان و بازیچه‌شدن دین در دست برخی از سیاست‌مداران برای

منافع شخصی یا گروهی به فضای سیاسی جامعه بازمی‌گردد. اما از آنجا که بیشتر آسیب‌ها در حوزه دولت، حکومت و نهادهای فعال در این حوزه است، ناگزیر برای تبیین دقیق‌تر آسیب‌ها باید به بررسی وضعیت موجود نهادهای دینی و تبلیغی پرداخت و سپس نارسایی‌های ناشی از این آسیب‌ها را شناسایی کرد.

در موارد زیر، اساسی‌ترین آسیب‌ها و ضعف‌های نهادهای فرهنگی در چهار سطح: سطح بخشی نهاد فرهنگی؛ سطح فرابخشی نهادهای فرهنگی؛ سطح محیط ملی فرهنگ و سطح محیط جهانی فرهنگ برشمرده می‌شود.

## آسیب‌شناسی در سطح نهاد

### تمایز میان فرم و محتوای نهادهای فرهنگی

نخستین گام در شناخت آسیب‌ها و ارزیابی ساختاری و عملکردی نهادهای فرهنگی موجود، درک تمایزگذاری و تفکیک میان محتوا و شکل است. محتوای فعالیت‌های فرهنگی و دینی پیشینه تاریخی و هویتی دیرینه دارد. اما آنچه امروز به‌عنوان معضل خودنمایی می‌کند، کمتر به این مضمون ارتباط دارد و به‌طور کامل در آن ریشه ندارد؛ بلکه به شکلی مربوط است که مضمون را معنی و صورت‌بندی می‌کند و آن را کارآمد یا ناکارآمد می‌سازد.

فعالیت‌های فرهنگی در گسست تاریخی از شکل تاریخی و طبیعی خود، به شکل رسمی، دولتی و حاکمیتی (بوروکراتیک) بدل شده است. اساسی‌ترین مسئله در این زمینه این است که به‌طور تاریخی فرهنگ و دین بیرون از دولت و حاکمیت سیاسی، زندگانی، پویایی و پایایی داشته‌اند. تجربه فرهنگ دولتی و دولت فرهنگی به‌خودی‌خود نه خیر است نه شر. اما چیرگی بینش دولتی بر فرهنگ و تک‌معیار شدن فرهنگ؛ یعنی فرهنگ دولتی رویکردی تازه است که تاکنون منشأ خیر فرهنگی و دینی نبوده و مقوم تشمت و سستی فرهنگی و غیر اثربخش شدن فعالیت‌های فرهنگی و دینی نهادهای برخوردار از بودجه فرهنگی دولت شده است.

### چیرگی نظام بوروکراتیک بر نهادهای فرهنگی

در روند بوروکراتیک شدن رسیدگی به امور مساجد، این تنوع به‌دلیل



به رسمیت نشناختن تکثر مساجد از بین رفت و همه مساجد و فعالیت‌ها و محتوای آن تابعی از خط‌مشی واحد شدند و همه آن‌ها با محتوای دینی و عقیدتی صداوسیما یکپارچه گردیدند.

تنوع فکری، فرهنگی و عقیدتی که در بستر تاریخ ایران اسلامی رشد و نمو پیدا کرده بود، با چیرگی نظام بوروکراتیک رنگ باخت، کارکرد مساجد و کانون‌های مذهبی و دینی یکسان شد، پایگاه فعالیت جوانان با عقاید متفاوت دینی محدود و گاهی ناممکن گشت و از حوزه نهادهای فرهنگی رسمی به نهادها و فضاهاى غیررسمی و گاه متضاد با آن کوچ کرد.

فرهنگ و دین در محیط و سازمان بوروکراتیک و سلسله‌مراتب اداری زندگانی، پویایی و پایایی نمی‌یابد؛ بلکه چنین محیط‌هایی فرهنگ را به روزمرگی و درنهایت، به مرگ فرهنگی مبتلا می‌کند. فرهنگ نیازمند محیطی خلاق، فعال و باز است که در نهادهای فرهنگی متعارف و بودجه‌بگیر از دولت تحقق‌پذیر نیست. آفت فعالیت فرهنگی، نظام بوروکراتیک است. این آسیب جدی مانع مهم تحول فرهنگی و ساختاری در نهادهای فرهنگی است.

#### تولید محوری به جای مصرف محوری

بررسی تحلیلی عملکرد نهادهای فرهنگی و به‌طور خاص، محصولات فرهنگی به‌خوبی نشان می‌دهد که مخاطب‌محوری در سیاست‌گذاری و خط‌مشی فرهنگی این نهادها ارزش محوری ندارد. ارزش‌نهایی در تولید، نیازهای سلیقه‌ای و شهودی خود مدیران فرهنگی است نه نیازهای واقعی جامعه برخاسته از تحولات فرهنگی و سلايق سیال مخاطب. نیاز فرهنگی امری ایستا و متصلب نیست که میان نیازهای دهه ۶۰ با دهه ۹۰ تفاوتی وجود نداشته باشد. البته نهادهای فرهنگی رسمی یا برخوردار از بودجه دولت، نهادهای رسالت‌محورند، خود را متعهد به آرمان‌ها و باورهای مشخصی می‌دانند و به‌نوعی خود را نهادهای ترویجی تلقی می‌کنند که امری طبیعی است. اما وظیفه هنر مدیریت و سیاست‌گذاری آینده‌نگرانه و برنامه‌ریزی واقع‌بینانه، تلفیق میان تقاضاهای پویای جامعه با مأموریت‌ها و رسالت نهاد است. این

تلفیق در نهادهای فرهنگی وجود ندارد و آنچه به عنوان عملکرد متعارف این نهادها منتشر و اعلام می‌شود، آمارها و اطلاعات مربوط به تولید فرهنگی و نه مصرف فرهنگی است. این وضعیت به تشدید شکاف میان فرهنگ رسمی مولود نهادهای رسمی و فرهنگ عینی انجامیده است.

### مصارف نامعلوم بودجه فرهنگی

مهدی کوچک‌زاده در گزارشی درباره وضعیت نهادهای فرهنگی بهره‌مند از بودجه فرهنگی (روزنامه شرق، مورخ ۹۵/۵/۲۹) گفته بود: «ملاک و معیار انتخاب این تعداد نهاد برای دریافت کمک‌های مالی نامشخص است کم‌اینکه هزاران مؤسسه غیردولتی در کشور دایر است. سؤال من این است که این ردیف بودجه، چرا به برخی افراد خاص تعلق می‌گیرد؟ نهاد یا مؤسسه مذکور ممکن است مبالغ دریافتی را برای خرید اتومبیل، خانه یا مواردی از این دست هزینه کند که در این صورت هم قابل حسابرسی و نظارت نیستند. بهتر است این بودجه‌ها در قالب قرارداد خدمت معین و مشخص به این نهادها پرداخت شود، تا به‌عنوان مثال روند کاری نهادی که می‌خواهد با این پول مقبره سعدی را مرمت یا نوسازی کند، قابل نظارت و پیگیری باشد. بهتر است با شفاف‌سازی، از هزینه کردن این مبالغ در جاهای غیرضروری جلوگیری کرد». احمد بخشایش اردستانی، دیگر نماینده اصولگرای مجلس هم که همواره از منتقدان این بودجه‌هاست، در این باره گفته بود: «مگر چشم‌های بعضی‌ها روشن‌تر یا خونشان رنگین‌تر است که شامل بودجه دولتی می‌شوند، بنابراین تقاضا دارم گزارشی شفاف از فعالیت‌هایشان به نمایندگان ارائه کنند». حجت‌الاسلام باقری، دیگر نماینده اصولگرای مجلس نهم نیز در این باره گفته بود: «دریافت کمک‌های مالی این نهادهای غیردولتی «بی‌انضباطی مالی» ایجاد می‌کند، گرچه مبالغ آن کم و اندک باشد اما سبب رشد فزاینده این نهادها در سالیان آینده می‌شود. اگرچه برخی از آن‌ها فعالیت‌های پژوهشی و کاربردی و فرهنگی خوبی انجام می‌دهند اما صحبت ما با مؤسساتی است که توسط افراد و برخی سیاسیون اداره می‌شوند و بودجه فرهنگی می‌گیرند

و صرف فعالیت‌های سیاسی می‌کنند». از نکات تأمل‌برانگیز در اختصاص بودجه به این جدول این است که در بین ۵۹ مؤسسه‌ای که از محل این جدول، بودجه دریافت می‌کنند، در مرحله بررسی لایحه پیشنهادی دولت در کمیسیون تلفیق مجلس، برای ۲۱ مؤسسه، افزایش بودجه در نظر گرفته شد. از دیگر نکات جالب در اعطای این بودجه‌ها، اضافه‌شدن مؤسسه‌ای جدید به دریافت‌کنندگان این اعتبارات از سوی مجلس است. به‌نحوی که جدول ۱۷ در لایحه پیشنهادی دولت شامل ۵۹ مؤسسه است؛ اما در بودجه‌ای که کمیسیون تلفیق مجلس تصویب کرده، این تعداد به ۶۰ مورد رسیده است و مؤسسه‌ای که به فهرست دریافت‌کنندگان بودجه اضافه شده است، «بنیاد انصار الانصار» نام دارد. بودجه تصویب‌شده برای این مؤسسه در کمیسیون تلفیق یک میلیارد تومان است. این افزایش به‌همراه سایر افزایش‌هایی که کمیسیون تلفیق مجلس در بودجه برخی از این مؤسسه‌ها ایجاد کرده، باعث شده است تا مجموع اعتبارهای جدول ۱۷ (مجموع اعتبارهای هزینه‌ای و تملک‌دارایی‌ها) از رقم ۲۴۴ میلیارد و ۸۶۶ میلیون تومان با ۳۱ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان افزایش به ۲۷۶ میلیارد و ۴۶۶ میلیون تومان برسد.

اگرچه جدول ۱۷ در بودجه سال ۹۷ حذف شد و در فصل دیگری این کمک‌ها صورت می‌گیرد؛ مسئله اساسی نبود شفافیت و حسابرسی است. این نهادها به جامعه و افکار عمومی به‌هیچ‌وجه پاسخ‌گو نیستند و گزارش عملکرد آن به‌صورت رسمی اعلام نمی‌شود تا مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد و تاکنون نیز، گزارشی از مصرف این بودجه‌ها منتشر نشده است.

## آسیب‌شناسی فرابخشی نهادهای فرهنگی

### تعددبی‌تکثر نهادهای فرهنگی

ازجمله ویژگی‌های فرهنگ ایرانی در گستره تاریخی و جغرافیایی، تکثر و تنوع اقوام، زبان‌ها، مذاهب و خرده‌فرهنگ‌ها بوده است. این تنوع حتی در حوزه اندیشه اسلامی و شیعی هم بارز بوده است. مبانی تفکر دینی و شیعی در ایران

بر تفسیرهای متنوع مکاتب فلسفی، عرفانی، فقهی، روایی و قرآنی متکی بوده است. نگرش متکثر و متنوع دینی خود سنت فرهنگی و جزء ساختار فکری و فرهنگی ایران بوده است. این تنوع در حوزه تفکر اسلامی ایرانی، طیفی از مکاتب گوناگون فلسفی، عرفانی و فقهی از ابن سینا و فارابی و سهروردی تا نامداران فقه‌های شیعه مانند شیخ مفید، وحید بهبهانی، شیخ بهایی، مقدس اردبیلی، علامه نائینی، عبدالکریم حائری و... را دربرمی‌گیرد که بخشی از این سنت فکری در مکتب صدرایی به تألیف می‌رسد و سنتی را (حکمت متعالیه) بنا می‌گذارد که وحدت مشرب‌های فکری فقهی، عرفانی، فلسفی و روایی است.

در حوزه ادبیات و شعر، این طیف فکری نیز از رودکی، خیام، فردوسی، ناصر خسرو، نظامی، سعدی، مولوی، حافظ تا شاعران نواندیش معاصر مانند نیما، سهراب، اخوان ثالث و ... را دربرمی‌گیرد.

جلوه‌های این تنوع را در هنر و معماری در گستره شهرهای ایرانی و ابنیه‌های تاریخی هم می‌توان مشاهده کرد.

از این منظر، تاریخ فکری و فرهنگی ایران، تاریخ تنوع و گفت‌وگویی فرهنگی است. این تنوع مشرب‌ها هرچند گاهی به تکفیر و تنازع فکری هم منجر می‌شده است؛ در نگاهی کلان و تاریخی مقوم هم بوده‌اند. این اختلاف فکری و فرهنگی به تقویت بنیه‌ها و استمرار آن‌ها انجامیده است. رهاورد این نقد و ردیه‌نویسی شکوفایی و غنای سنت و مشرب فکری خود بوده است. به‌عنوان مثالی برجسته، ژرفای مشرب عقیدتی علامه طباطبایی در دوره معاصر به یک معنی مرهون وجود نیرومند و مؤثر تفکر مارکسیستی در ایران بوده است که علامه با حدّت به نقد متین فلسفی و منطقی آن همت گماشت و رهاورد این نقد شکوفایی و تجدید سنت صدرایی در تفکر علامه طباطبایی و ماندگاری این فیلسوف عارف و مفسر کبیر قرآنی بوده است. همچنان که مخالفت مشرب روایی معاصران و مکتب تفکیک با علامه نیز به رشد فکری مخالفان وی منجر شد. سویه مخالف مکتب فکری علامه طباطبایی مکتب تفکیک است که عالم برجسته و مجدد آن محمدرضا حکیمی است که در نقد و

رد سنت فلسفی و عقلی دینی و موافقان فلسفه و عرفان و دفاع از مشرب روایی و غیرعقلانی، آثار مهمی را نگاشته است.

بنابراین به‌رغم ظاهر، اختلافات سنت‌های مشربی، دینی و فرهنگی در ایران، در باطن و غایت امر، به هم‌افزایی و تقویت جریان‌های فکری و فرهنگی انجامیده است.

در سطح عینی و اجتماعی، در گذشته، هر مسجد، حسینیه و تکیه مذهبی گونه‌ای از این مشرب‌ها و سنت‌های فکری و عقیدتی را راهبری می‌کرد. حسینیه ارشاد، کانون توحید و مسجد هدایت (آیت‌الله طالقانی) در تهران در کنار سایر مساجد و حسینیه‌های سنتی هرکدام به بخشی از نیازها و پرسش‌های سلاقی و نگرش‌های دینی و مذهبی گوناگون مردم پاسخ می‌دادند و جوانان و مردم هم به ذوق و گرایش خود پایگاهی را انتخاب می‌کردند و فعالیت دینی و فرهنگی داشتند. به‌عنوان نمونه، در محله قدیمی خیابان پامنار تهران، مساجد متفاوتی وجود داشته است که در پیش از انقلاب هرکدام با مشرب دینی و فرهنگی خود بخشی از ساکنان محله را گرد خود فرامی‌آوردند. مسجد آیت‌الله ثقفی (پدر همسر امام خمینی) بیشتر جوانان نواندیش را، مسجد آیت‌الله کاشانی ساکنان سنتی و سیاسی محله را، مسجد آیت‌الله شاه‌آبادی با مشرب عرفانی خود دیگرانی را جذب می‌کرد که به دو مسجد دیگر رغبتی نداشتند. تنوع مساجد به گونه‌ای به همبستگی جماعت مذهبی، ارتقاء آگاهی و باورهای فرهنگی، فکری و عقیدتی در عین رقابت و اختلاف سلیقه منجر می‌شد.

این تنوع و تکثر فرهنگی و دینی در نهادهای رسمی و برخوردار از بودجه دولت از میان رفته است و به تعدد بی‌تکثر نهادهای مشابه و با وحدت مشرب مبدل شده است و با عنوان وحدت در امور مساجد، نماز و فرهنگی، مراکز علمی و آموزشی و... را به یکسان‌سازی نگرش‌ها هدایت کرده است؛ جریانی خلاف تاریخ و فرهنگ در ایران.

#### رقابت ناعادلانه نهادهای فرهنگی با بخش خصوصی

بخش درخورتوجهی از گردش مالی اقتصاد فرهنگ در اختیار دولت است.

نهادهای فرهنگی دولتی با برخورداری از بودجه هزار میلیاردی و قدرت توزیع آن در عمل، رقیب بخش خصوصی شده‌اند. تولید و عرضه کالاها و خدمات فرهنگی بخش خصوصی توان رقابت با بودجه سرشار نهادهای فرهنگی را ندارند یا با دستمزدها و پرداخت هزینه‌های نامتعارف نهادهای فرهنگی نمی‌توانند رقابت کنند. به دلیل فقدان کارایی در نهادهای فرهنگی هزینه هر واحد خدمت یا تولید محصول در نهادهای فرهنگی چندین برابر بخش خصوصی است. به عنوان مثال، هزینه دستمزد تألیف و ترجمه‌ی متنی مشخص در نهادهای فرهنگی ده‌ها برابر بخش خصوصی است. به همین دلیل هنرمندان، نویسندگان و ... به همکاری با نهادهای فرهنگی بیشتر تمایل دارند یا برخی از واحدهای بخش خصوصی می‌کوشند با نهادهای فرهنگی تولید مشترک داشته باشند یا خدماتی ارائه دهند تا از بودجه این نهادها سهمی ببرند.

از سوی دیگر، بخش درخور توجهی از سرمایه‌های ثابت، فضاهای فرهنگی و هنری در اختیار این نهادهای فرهنگی است. برای مثال در حال حاضر، دست کم ۲۷ درصد بازار نشر در اختیار دولت و مؤسسات وابسته به آنهاست. بخش وسیعی از سینماهای کشور متعلق به نهادهای دولتی است (سوری، ۱۳۷۹: ۱۶۰). حضور دولت در تولید و فروش کالاهای فرهنگی نوعی مداخله غیرضروری در بازاری است که به‌طور تاریخی متعلق به بخش خصوصی بوده است. در نتیجه، اقتصاد فرهنگ به علت وابستگی جدی آن به اقتصاد فرهنگ نهادهای فرهنگی رسمی، انحصاری و غیررقابتی به معنی سالم و عادلانه است و به همین علت نیز از حیث هزینه/فایده، ناکارآمد و رانتی شده است. به علاوه، نهادهای دولتی به‌طور عموم، بدون رعایت صرفه‌جویی و احتساب میزان تقاضای بازار عمل می‌کنند که این امر در نهایت، موجب اتلاف سرمایه، نیروی انسانی و تنگ شدن عرصه بر بخش خصوصی می‌شود (همان).

#### ناسازگاری و فقدان هم‌افزایی در نهادهای فرهنگی

از جمله چالش‌های موجود در نهادهای فرهنگی، همسانی در بیشتر مأموریت‌ها و اهداف نهادهای فرهنگی و دینی است. سازمان‌دهی مجدد این نهادها اجتناب‌ناپذیر است. بنابر تحقیقی:

– کلیه سازمان‌های فرهنگی باید ارتباطات سازمانی و تعریف‌شده با یکدیگر داشته باشند و مجموعه مؤلفه‌های محیطی، تغییرها و اثرگذاری‌شان مورد مطالعه و توجه جدی قرار گیرد؛

– هرگونه موازی‌کاری بین سازمان‌های فرهنگی به‌منظور اجتناب از هزینه‌های زائد و بهره‌گیری بهینه از منابع مالی حذف شود؛

– شیوه سازمان‌دهی و فعالیت نهادهای فرهنگی منافی مردمی‌بودن ماهیت این‌گونه فعالیت‌ها نباشد؛

– هر یک از فعالیت‌های فرهنگی و تولید خدماتشان باید سازماندهی واحد، متولی مشخص و منحصربه‌فردی داشته باشد و تولید امور فرهنگی در حوزه وظیفه‌مندی دولت جنبه ستادی داشته و بر محدوده تعریف‌شده حاکمیتی مبتنی باشد؛

– تعریف و ایجاد سازمان‌های متعدد فرهنگی براساس تنوع رسته‌های فعالیتی در صورتی مطلوب نیست که به تعدد رویه کارکردی و ناسازگاری در برنامه‌های اجرایی بینجامد و باید با ایجاد یک یا دو سازمان اصلی و تعبیه نهادهای متعدد ذیل هر یک از آن‌ها و با برقراری روابط طولی تعریف‌شده، بستر لازم را برای ایجاد هماهنگی هرچه بیشتر در زمینه عرضه خدمات فرهنگی فراهم آورد؛

– واگذاری تصدی‌های غیرضروری به بخش‌های خصوصی و مردمی و اجتناب سازمان‌های فرهنگی از تصدی امور و اجرای عملیات؛

– ایجاد تمرکز در اقدامات ستادی، نظیر سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی کلان، نظارت بر اقدامات حمایتی و هدایتی در سطوح ملی و استانی و تنظیم آن‌ها و اجتناب از موازی‌کاری، پراکنده‌کاری، تعدد سازمان‌های ستادی و صف در رده‌های واحد (نیکومرام و حداد، ۱۳۸۶)

برخلاف برخی پیشنهادهای ساختاری این محقق، هماهنگی و سازمان‌دهی مجدد نهادهای فرهنگی بدون ایجاد تحول در مأموریت‌ها و وابستگی این نهادها به حاکمیت ممکن است؛ زیرا شورای عالی انقلاب فرهنگی تاکنون متولی همین هماهنگی و سازمان‌دهی بوده است که به دلیل ساختار دیوان‌سالار این شورا تاکنون توفیقی نداشته است.

## آسیب‌شناسی محیط ملی فرهنگ

### نهادهای فرهنگی مرکزگرا

فرهنگ ایرانی ساختاری متنوع داشته است. تنوع قومیت‌ها، زبان‌ها، مذاهب و خرده‌فرهنگ‌ها، جامعه ایرانی را از حیث تاریخی به پدیده‌ای خاص و پیچیده مبدل کرده است. کنش فرهنگی در این ساختار فرهنگی نیز نمی‌تواند ساده باشد. نهادهای فرهنگی در ایران به‌ویژه در دوره پساانقلاب، بر محوریت اندیشه و باورهای خاص و متمرکز استوار بوده است و به دلیل قرابت آن به محیط رسمی و دولتی نتوانسته است تمامی سلايق و نیازهای اقوام، مذاهب و خرده‌فرهنگ‌ها را برآورده سازد. این ناکارآمدی در برآورده‌ساختن نیازهای جوانان و زنان نیز بارز است.

### تصلب سازمانی و ناسازگاری با روند تحول تکاملی نهادهای فرهنگی

به دلیل آسیب اساسی نخست، آسیب دیگر و پیامد آسیب پیشین، عقب‌ماندگی نهادهای فرهنگی از زمان و تحولات زمانه به علت تصلب و ناسازگاری با روند تحول تکاملی سازمانی است. از این منظر، شاخص‌های مهم ارزیابی عملکرد سازمان‌ها در کنار سایر شاخص‌ها مانند اثربخشی، بهره‌وری و استمرار، تحول تکاملی یا انعطاف‌پذیری است. تحول تکاملی مبین توانایی تطبیق سازمان با الزام‌ها و تغییرهای محیطی است. «مؤثر بودن» سازمان، یکی از الزام‌های «تحول سازمانی» و تغییرپذیری به‌شمار می‌آید. به عبارت دیگر، بحث پیرامون تحول سازمانی بدون توجه به برخی جنبه‌های بنیادی اثربخشی، امکان‌پذیر به نظر نمی‌رسد. (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۶) از این منظر، نهادهای فرهنگی تأخر سازمانی دارند و در مأموریت‌ها، راهبردها و سیاست‌های خود با تحولات محیطی، فرهنگی و آینده‌نگرانه در جامعه همسو نیستند. ۴۰ سال تجربه فعالیت فرهنگی مستمر و درعین حال ایستا از حیث سازمانی و عملکرد این نهادها، موجب ناکارآمد بودن این نهادها شده است که بازنگری در روش‌ها را الزامی کرده است.



## آسیب‌شناسی محیط جهانی فرهنگ

### نگرش ساده‌نهادهای فرهنگی در جهان فرهنگی پیچیده

جهان آینده، جهان فرهنگی است. «تری ایگلتون» پژوهشگر فرهنگی در کتاب *ایده فرهنگ*، در بخشی با عنوان «نزاع بر سر فرهنگ» به خوبی نشان می‌دهد که تمام کشورهای جهان، کمابیش، مهم‌ترین درگیری درونی‌شان، مسئله فرهنگ است. چالش‌های قومیتی، نژادی، زبانی؛ چالش بر سر حد و مرز فرهنگ‌ها؛ مسئله از میان رفتن زبان‌ها، نسل‌کشی‌های فرهنگی، قومیت‌کشی؛ فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، برهم‌ریختن نظم نمادینی که بر نوعی جنگ سرد استوار بود، نظم جهان دوقطبی، اهمیت جایگاه فرهنگ در فروپاشی شوروی سابق که در آن هویت‌های قومی استقلال خود را اعلام کردند؛ ظهور مسئله چندفرهنگ‌گرایی در آمریکا و اروپا و نزاع بر سر فرهنگ‌های در حال ظهور در جوامع توسعه‌یافته؛ گسترش بنیادگرایی مذهبی در اسلام، یهود، مسیحیت و حتی ادیان دیگر؛ گسترش جنبش‌های اجتماعی نوین مانند جنبش اجتماعی زنان و بسیاری از تحولات دیگر موجب شده است تا کل فرهنگ به‌مثابه مهم‌ترین و بزرگ‌ترین مسئله جهان امروز شکل گیرد. همه جوامع از جمله ایران، متأثر از چنین تحولاتی هستند (فاضلی، سایت فرهنگ‌شناسی). به گفته همین نویسنده، فرهنگ موضوعی جدی است که به دلیل آن خون هم ریخته خواهد شد و مردم برای آن کشته می‌شوند یا می‌کشند.

در چنین محیط پرتنش فرهنگی، نقش نهادهای فرهنگی ایرانی برای مصونیت‌سازی در برابر دام ستیزهای فرهنگی خونبار چندان روشن نیست. به عبارتی دیگر، نهادهای فرهنگی ایرانی هنوز در پیلۀ سازمانی و باورهای دهه ۶۰ خود گرفتارند و همان رویکرد و برنامه‌های ساده‌انگارانه گذشته را تکرار می‌کنند و در نزاع فرهنگی موجود و چندفرهنگ‌گرایی و هویت‌چهل‌تکه جهانی ترویج، کارآمدی ندارند. جهان فرهنگی به‌طور فزاینده‌ای چندلایه و پیچیده شده است و در این جهان با انباشتی از تقاضاها و روندهای متنوع، سیاست و برنامه‌ریزی گذشته نهادهای فرهنگی پاسخ‌گو نیستند.

## پیشنادهایی معطوف به برنامه هفتم توسعه

براساس آسیب‌شناسی بخش قبلی می‌توان راه‌کارهایی را در چهار سطح مسائل نهادهای فرهنگی، به‌طور کلی در هر سطح به شرح زیر مطرح کرد:

۱. در سطح مسائل نهادی، باید اصلاح ساختار و تجدید در سازمان محور قرار گیرد. مسئله اصلی ساختارهای قدیمی است که به‌تعمیری، عمر سازمانی در مرحله پیری است و در این مرحله نهادهای فرهنگی دوره جوانی خود را سپری کرده‌اند و باید با تجدید اهداف و راهبردهای خود، کارایی را در خود سامان‌دهی کنند؛

۲. در سطح مسائل فرابخشی، مسئله اصلی فقدان هم‌افزایی و هماهنگی میان نهادهاست که مسئله‌ای حاکمیتی است و باید راهبردی نوین برای نقش و کارکرد نهادهای فرهنگی طراحی شود و سامان‌دهی این نهادها در چارچوب مأموریتی جدید در دستور کار قرار گیرد. این رویکرد شاید با حذف برخی نهادها ممکن نباشد؛ بلکه بودجه دولتی باید تنها به نهادهایی تعلق گیرد که در این راهبرد نوین قابلیت اجرا و تأثیر دارند؛

۳. در سطح مسائل محیط فرهنگ ملی، رویه و سازمان نهادهای مرکزگرا و شبه‌دولتی دیگر پاسخ‌گو نیست و باید ظرفیت بخش خصوصی با گرایش‌های متفاوت از حیث خرده‌فرهنگ‌ها، اقوام و زبان‌ها به کار بسته شود. تجربه تاریخی و فرهنگی در ایران اثبات می‌کند که شهروندان با سلاقی و گروه‌بندی‌های اجتماعی و فرهنگی، بهتر می‌توانند اعتماد و سرمایه اجتماعی و فرهنگی را فعلیت بخشند و مؤثر باشند.

۴. در سطح محیط جهانی فرهنگی، مبادله‌های فرهنگی بخش خصوصی قوی‌تر و مؤثرتر از نهادهای فرهنگی رسمی و شبه‌دولتی است که سیاست خارجی فرهنگی متکی بر هنرمندان و فرهنگیان غیردولتی کارآمدتر بوده و خواهد بود. هویت ملی امری دستوری نیست که تنها نهادهای مرکزگرای فرهنگی بتوانند آن را تحقق بخشند. مأموریت و راهبرد فرهنگی در میدان فرهنگی جهانی، هیچ‌گاه بر دوش دولت و حاکمیت، کارنامه درخشانی نداشته است؛ مگر در وضعیت پشتیبان.

## پیشنهادهایی برای برنامه هفتم توسعه

در موارد یادشده و با توجه به مصوبه اصلاح این رویه زیر نظر سازمان مدیریت و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، پیشنهاد می‌شود در برنامه هفتم توسعه اقدامات زیر تصویب و عملیاتی شوند:

۱. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مأموریت یابد که طرح جامع ساماندهی نهادهای فرهنگی را با توجه به مسائل و موضوعات یاد شده در این گزارش تهیه و برای تصویب به شورای عالی انقلاب فرهنگی ارائه کند.
۲. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مسئولیت رصد کردن و تهیه گزارش نظارتی را بر حسب بودجه هزینه‌شده و شرح مأموریت‌ها، به صورت سالانه تهیه و به سازمان مدیریت برای اعمال ارائه کند.
۳. سازمان مدیریت موظف است بر اساس نوع عملکرد نهادهای، بودجه سال آتی را پیش‌بینی کند.

## اولویت‌گذاری پیشنهادها بر اساس ترجیح‌های عملی

بر اساس ارزیابی اسنادی این گزارش، می‌توان پیشنهادهای ترجیحی را با ملاحظه دواصل زیر به‌منظور اصلاح ساختاری و نوسازی وضع موجود ارائه کرد:

- الف) پیشنهادها و راهکارهایی در حد مقدمات و اختیارات دولت
  - ب) پیشنهادها و راهکارهایی در حد مقدمات و اختیارات حاکمیت
- در حد مقدمات دولت پیشنهادهایی می‌تواند مطرح شود که در چارچوب وظایف و اختیارات دولت، عملی‌تر و ممکن‌تر باشد و قدرت اجرایی و دخالت آن را داشته باشد. در حد حاکمیت و فرادولت، به اختیارات و اراده ملی و حاکمیتی نیاز است که به‌نظر می‌رسد در کوتاه‌مدت ممکن نیست.

بنابراین، پیشنهادهای زیر راه‌کارهای ترجیحی و در چارچوب مقدمات دولت است که اجرای آن با مقاومت کمتری مواجه می‌شود:

۱. مهم‌ترین چالش نهادهای فرهنگی، در بخش نهادهای حاکمیتی است که به‌دلیل چیرگی مناسبات و ارزش‌های دیوان‌سالار و وابستگی به حاکمیت،

اثربخشی ندارند. حل این معضل بنیادین به سادگی امکان پذیر نیست و عزم ملی می طلبد. اما مهم ترین اقدام، ملزم نمودن این نهادها به شفاف سازی اطلاعات و آمارهای کمی و کیفی عملکردی است که از طریق شواری عالی انقلاب فرهنگی احتمالاً امکان پذیر است؛

۲. سنجش کارآمدی این نهادها به روش نظرسنجی؛
  ۳. بررسی محتوایی محصولات و آثار این نهادها با شاخص فروش؛
  ۴. بودجه فرهنگی باید منوط به اثربخشی فرهنگی این نهادها در تحقق نیازهای مخاطب و متناسب با تحولات محیطی و جهانی باشد. با نظرسنجی و تحقیق های موردی و جامع باید این اثربخشی تبیین و تحلیل شود. بنابراین تحقیق جامعی با عنوان سنجش اثربخشی نهادهای فرهنگی در ایران پیشنهاد می شود؛
  ۵. تغییر در روند کارکرد و عملکرد نهادهای فرهنگی و حاکمیتی بدون قدرت دادن به بخش خصوصی ناممکن است. اصل ۴۴ قانون اساسی درمورد نهادها و فعالیت های فرهنگی به عنوان خیزش فرهنگی در کشور باید به رسمیت شناخته شود و در لایحه ای، حوزه های رقابتی بخش دولتی و حاکمیتی با بخش خصوصی مقید و به حد ضرورت تنزل یابد؛
  ۶. در مأموریت ها و اهداف نهادهای فرهنگی بودجه بگیر تجدیدنظر شود و نهادهای موازی در یکدیگر ادغام شوند؛
  ۷. نظام ارزیابی عملکرد فرهنگی به عنوان ابزار نظارتی در سازمان برنامه با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سامان دهی و اجرایی شود؛
  ۸. نهادهای فرهنگی، برنامه راهبردی و اجرایی خود را با اهداف کارایی و انعطاف پذیری (تحول تکاملی) در مدت سه ماه به شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان سند رسمی ارائه دهند؛
- داده ها و اطلاعات مربوط به عملکرد نهادهای فرهنگی به طور شفاف در سامانه یکپارچه **نهادهای فرهنگی** (پنجره واحد) در چارچوب شفاف سازی به مسئولیت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی یا شورای عالی انقلاب فرهنگی منتشر شود.

## فهرست منابع

- ابراهیمی، علیرضا، «نهادهای فرهنگی همچنان بودجه کشور را می بلعند»، همدلی، سایت سرپوس، اردیبهشت ۹۷.
- احمدی گرجی، حسینعلی، «تعیین چگونگی بررسی و آسیب شناسی دستگاه های فرهنگی "طرح پژوهشی، تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۳.
- جعفری هفت خوانی، نادر، «منظومه فرهنگی؛ کاربرد استعاره منظومه شمسی برای ساماندهی سازمان های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، مجله دین و ارتباطات، شماره ۴۱، بهار و تابستان ۱۳۹۱-۴۱، صص. ۳۷ تا ۶۷.
- خمسه ای، حسین، «روند رو به رشد ارقام فرهنگی بودجه ۹۶»، آذر ۱۳۹۵.
- رضایی، علی اکبر و زهره ای، محمدعلی، «ابتکار عمل در برنامه ریزی و ارزیابی عملکرد فرهنگی»، تهران، نشر یادآوران، ۱۳۹۰.
- سوری، حجت الله، «تحلیل ساختار تشکیلات و منابع بخش فرهنگی کشور»، تهران، نشریه برنامه ریزی و بودجه، مهر و آبان ۱۳۷۹، شماره ۵۴ و ۵۵.
- سید مهدی خاموشی و ابوالفضل نظری، «ارزیابی تصمیمات استراتژیک فرهنگی براساس ارزش های اسلامی؛ مورد مطالعه، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی»، تهران، اندیشه مدیریت، دوره دوم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۷.

صالحی امیری، سیدرضا و عظیمی دولت آبادی، امیر، «مبانی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی». انتشارات ققنوس، ۱۳۹۴.

طباطبایی مزدآبادی، محسن، «رشد ۱۶ درصدی بودجه فرهنگی در لایحه ۹۶»، ایسنا، ۱۳ دی ۱۳۹۵.

عباسی، ابراهیم و کاشانی اسدی، جواد، «ارزیابی عملکرد برنامه‌های شبکه سه از دیدگاه صاحب‌نظران رسانه و جوانان»، مجله مدیریت فرهنگی، سال چهارم، شماره هفتم، بهار ۱۳۸۹.

فاضلی، نعمت‌الله، «مسأله فرهنگی چیست؟ و مسائل فرهنگی ایران کدام است؟» سایت فرهنگ‌شناسی:

<http://www.farhangshenasi.ir/persian/node.1016/>

گودرزی، غلامرضا و شیخزاده، محمد، «تحلیل وضعیت موجود ساماندهی نهادهای فرهنگی کشور، با نگاهی به مفهوم و مبانی مهندسی فرهنگی»، نامه پژوهش فرهنگی، سال دهم، دوره سوم، شماره پنجم، بهار ۱۳۸۸.

صالح اولیاء، محمد، «طراحی مبانی نظام ارزیابی عملکرد سازمان‌های فرهنگی»، دو هفته‌نامه مهندسی فرهنگی، شماره پنج، دی ماه ۱۳۸۵.

نیکومرام، هاشم و حداد، مسعود، «بررسی اهداف و وظایف نهادهای رسمی فرهنگی در ایران و ارائه راهکار هماهنگ‌سازی نهادها»، مجله مدیریت فرهنگی، سال اول، پیش‌شماره، زمستان ۱۳۸۶.

### سازمان‌ها و تارنماها

بررسی وضعیت و ارائه راهکارهای ساماندهی فعالیت‌های فرهنگی دستگاه‌ها و نهادهای فرهنگی دولتی شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۵.

تعیین چگونگی بررسی و آسیب‌شناسی دستگاه‌های فرهنگی و رتبه‌بندی آن‌ها، شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۶.

سایت محصولات فرهنگی شورای عالی انقلاب فرهنگی.

شورای عالی انقلاب فرهنگی، «نوسازی و ارتقای اثربخشی نهادهای دینی و تبلیغات اسلامی»، سایت شورا: ۱۳۸۶.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی: «راهکارهای ارتقای عملکرد سازمان تبلیغات اسلامی»، مصوب ششصد و پنجمین جلسه مورخ ۱۳۸۶/۰۳/۰۸ شورای عالی انقلاب فرهنگی.